

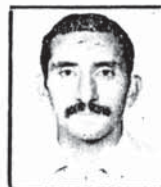


رفیق ابراهیم نظری

صفحه ۱۲

کاندیداهای ما با هدف انعکاس خواست زحمتکشان، دفاع از منافع آنها و افشای ارتجاع در انتخابات شرکت می کنند

شرح حال مختصری درباره رفقای که از جانب شش گروه، بعنوان کاندیدای تهران، معرفی شده اند:



رفیق مرتضی الادبوش

صفحه ۹

رفیق افخم احمدی

صفحه ۱۲

نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر - ۳ آرایش نیروهای اجتماعی پس از قیام و تحول سیاسی

اما آنچه در پی آمد تحول سیاسی حاضر است، نه نابودی کامل قدرت سیاسی رژیم پیشین و ارتجاع داخلی وابسته به امپریالیزم، نبود و نیست - نیروهای سیاسی ای که بدلیل ماهیت طبقاتی شان، صد بار بیشتر به ضد انقلاب روی میاورند تا به انقلاب - نیروهای که ماهیتاً با ارتکار و وسیعاً آماده اتحاد با ضد انقلاب اند - از قدرت سیاسی قاطعانه طرد شدند. در جریان این تحول، متغایلا توده ها نتوانستند تمامی قدرت سیاسی دست یابند تا با تکیه بر آن نتوانند

ادامه در صفحه ۵

از آنجا که جامعه ما در دوره گذشته یک جامعه سرمایه داری وابسته به امپریالیزم بود و نهاد اصلی آن تفاذخل و امپریالیزم تشکیل میداد، تحول انقلابی آن منوط به تغییر ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه - یعنی نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیست ها و سمات دیگر حل نفاذ اصلی جامعه می بود. این دگرگونی بنیادی جنبش - سیستمی در عمرا امپریالیسم، یعنی عمرا حفا روگنیدگی سرمایه داری تحقق نخواهد یافت مگر با دستیابی با کامل نیروهای خلق به تمامی قدرت سیاسی به رهبری پرولتاریا.

یک نوع، انقلاب کودتایی (؟) مانند انقلاب رضاخان فلدرا، انقلابی که " قاطع " و " قوی " بود و به پیش میرفت - " پشتیبانی های " انگلیسی ها هم - " ملحق " نیست، مهم اینست که این انقلاب " قاطع " و با قدرت بوده و ارتش و دولت را " تقویت کرده است و برای روشن تر شدن مفهوم انقلاب کودتایی، آقای بازرگان نمونه مشابه کودتای عبدالناصر در مصر را ذکر کردند! وجه تشابه انقلاب رضاخانی و ناصر، هر دو در تصوف قدرت سیاسی است و اینکه یکی نوکر انگلیس ها و دیگری شخصیتی ملی و میهن پرست بوده، برای ایشان تفاوتی ندارد!

نوع دوم انقلاب را آقای بازرگان با تکیه بر فرهنگ لغات خود ساخته است، انقلابات حزبی - ناماد است و طبق معمول برای " روشن تر شدن " موضوع مثالی هم

ادامه در صفحه ۹

تحریف انقلاب توجیه خیانت

نطق رادبولتزبوشی نخست وزیر دولت موقت در روز پنجمین ۲۸ تیرماه سراپا درس تاریخ بود. در آن آموزنده ای که حرص و ولع بورژوازی و ترس او را از توده ها به وضوح و روشنی نمایش میداد. و نشان میداد که چگونه بورژواها تاریخ را از پس عینک منافع طبقاتی خویش، برانداز میکنند؟

آقای بازرگان انقلاب را به سه نوع تقسیم کرد:

چرا میگویند همافران را منفرد کنند؟

تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی:

" ما باید وابسته به آمریکا باشیم "

بک فرمانده نیروی هوایی:

آقایان و خانمها کارهایتان را طوری مرتب و دقیق انجام دهید که وقتی آمریکا آنها آمدند، نگویند ما عرضه نداشتیم

فقدان یک تشکیلات رهبری کننده، انقلابی که نماینده طبقات محروم و ستمدیده خلق ما باشد، درجهبه انقلاب و بجای آن قرار گرفتن نمایندگان بورژوازی لیبرال و لایه با لایه خرد بورژوازی در رأس جنبش از یکطرف و تحریکات فراوان امپریالیسم آمریکا - که به قیمت خون میلیون ها انسان در سراسر جهان و در روبرو نشی با انقلابهای گوناگون کسب شده است - از طرف دیگر، نبرد مسلحانه خلق را در همان نخستین گامهای قیام بهمن ماه متوقف نمود. اعلام با صلاصت همبستگی ارتش با ملت به امر امپریالیسم آمریکا، بعد از ملاحظه نماینده اش " هویر " و پذیرفتن این " همبستگی " توسط رهبری مانع از آن شد که خلق به پیش تا زدن و ماشین جنگی رژیم سرمایه داری وابسته ایران را در یک مبارزه سخت و خونین با خود کند. دولت موقت " انقلابی " و رهبری در حالیکه هنوز ارتش را نداشت در گوشه و کنار کشور در حال ریختن خون هوصلان قهرمان ما بود. حکم " ملی " ندی آنرا اعلام نمودند و اعلام آوردن چنین ارتشی را تحریک گفتند. و در عوض مصلحت از توده ها درخواست کردند که هر چه زودتر سلاهای خود را تحویل دهند. چرا که اسلحه فقط برای زنده ارتش " ملی " بود! ارتش که با تسلیم خود - برعم آقای بازرگان، انقلاب را به پیروزی رسانده بود!! آنچه که امپریالیسم آمریکا از اعلام همبستگی ارتش انتظار داشت، تا بود شدن کامل ماشین جنگی اش در ایران بود. امپریالیسم آمریکا میدانست که نبرد مسلحانه توده ای در مورتیکه با مقاومت ارتش ضد خلقی روبرو شود تداوم میابد و قوام میگردد. و دیگر نه تنها جانی برای لیبرالها و سازشکارانی چون بازرگان در جنبش باقی نماند، بلکه زمام امور بکلی از دست رهبری خرد بورژوازی نیز بدر میروید و دیگر این نمایندگان کارگران و سائیر زحمتکشان هستند که در کوران جنگ مسلحانه در رأس جنبش قرار میگیرند. نبرد مسلحانه توده ای با به خیابان کشاندن توده ها برای نظا هرات مسالمت آمیز، تفا و تنسی

ادامه در صفحه ۲

دروغبر

خلق قهرمان نیکاراگوئه

سراجام با فتح مایاگوئه پایتخت کشور نیکاراگوئه توسط توده های مسلح، جنگ داخلی در

ادامه در صفحه ۱۱

پیشی بسوی ایچاد حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول

اساسی دارد و این دیگر امری نبود که از عهده نمایندگان خرد بورژوازی مرفه برآید.

اما اگر بورژوازی لیبرال منافع در سازش با امپریالیسم داشت و نمایندگان خرد بورژوازی مرفه با هر طریقت طبقاتی و توطئهات لیبرالی شان فریب امپریالیسم را می‌خورند، توده‌ها و نیروهای انقلابی و پیشرو خلق هیچ نمایی از این سازش و نرمش و "ملی" خواندن ارتش و اسلام آوردن آن عایدشان نمیشد. آنها اشهاد ارتش شد خلقی شاه را اراده کرده بودند و بدین راجحی نمی‌توانستند شاهد جان بدر بردن آن از دستهای ثواری خود باشند. بدین ترتیب بود که موج اعتراضی نسبت به سیاست دولت و رهبری در رابطه با ارتش خروشن گرفت. توده‌ها نمی‌توانستند باور کنند ارتش که دهها هزار نفر از عزیزان آنان را در عرض مدتی کمتر از یک سال و یک و خون کشیده است، ارتشی که سالها از منافع و مطامع امپریالیستها و رژیم دست‌نشانده آنان در ایران و منطقه حفاظت و حراست نموده است، ارتشی که پنجه‌های خونینش حتی گلوئی خلقهای منطقه را زرد و مرمی کرده است، بگشاید و به مردمی و فداکاری اش به ما هیت مردمی و ملی مبدل شود.

فشار توده‌ها، عقب نشینی رهبری و دولت

در مقابل فشار توده‌ها و نیروهای انقلابی و به ویژه پرسنل انقلابی ارتش و در راس آنان همافران مبارز که خود نقش ارزنده‌ای را در قیام ایفا کرده بودند، دولت و رهبری مجبور شدند به تصفیه نیم بندی در ارتش تن در دهند. موج فزاینده اعتراضات مردم فروکش کند. و وقتی این تصفیه نیم بند هم بدست شخصی چون قهرنی صورت پذیرد واضح است محتوای این تصفیه چه خواهد بود. بهر حال دولت و رهبری با این به اصطلاح پاکسازی خیال خود را آسوده نمودند. و با تبلیغات مداومی که در وصف "ملی" شدن و اسلامی شدن ارتش راه انداختند نتوانستند به گروهانی از مردم هم موافقت بقبولانند که ارتش‌ها تنها حق ملی به ارتش "ملی" جمهوری اسلامی تبدیل شده و هر لحظه آماده است که در راه منافع ملی جانبازی کند. اما اگر بسیاری از مردم در اثر ناآگاهی و اعتماد شان به رهبری، ادعای رهبری و دولت را بپذیرا شدند و از دامنه اعتراضات نسبت به تشکیل ارتش خلقی گاشته شد، نیروهای میسارزو انقلابی و خودمایل انقلابی ارتش و در پیشاپیش آنها همافران مبارز که خود سالیان سال نقش مد خلقی ارتش و فساد درونی آنرا با گوشت و پوست خود و به بهای انبوهی از تشویر، تهدید، توهین و شکنجه و شهادت تجربه کرده بودند، نمی‌توانستند در مقابل این سازش و حشاک رهبری و این پیش‌تغیبه محکوم به شکست بگوش بپشت سازند و لب‌فرو بپندند. مخصوصاً آنکه آنها هم گمانه می‌کردند که بسیاری از فرماندهان مزدور و چاکر-ان جان شتر رژیم پهلوی که در سرکوب توده‌های قهرمان خلق به تلاشی دارند، در پست خود ایفا شده و با حسی ارتقا، مقام یافته‌اند. مد اطلاعات که قلب هر ارتشی آزادخواه و میهن دوستی از شنیدن نامش فشرده می‌شود سینه اش بر از خشم و نفرت می‌گردد تحت پوشش "سازمان تداوم انقلاب" و به فرمان نخست وزیر، فعالیت خود را با همان پرسنل سابق مجدداً آغاز می‌کند. فساد انقلابیون و از جمله فداکاران انقلابیون ارتشی مودع و مرحمت قرار نمی‌گیرند، شرکت نظامیان در احزاب و میهنیگها ممنوع می‌شود، الذرم بلورم امای ارتش مبنی بر لزوم و ضرورت رعایت انضباط چینی ارتش و احترام به سلسله مراتب سلسله مراتب آریا مهری - گوش خلقها و توده های آگاه و از جمله ارتشیان آزادخواه و داند امپریالیست را می‌آید و فلسفها این امتیازات و حشاک به ارتجاع و حیانت های آشکار به خلق، تصفیقات و فشارها بر علیه نیروهای انقلابی و در سطح جامعه و پرسنل انقلابی و مبارز ارتش و سوبزه همافران، در درون ارتش فروزی می‌گیرد.

دولت حامی سرمایه داران به بازسازی ارتش نیازمند است

دولت حامی سرمایه داران و زمینداران بزرگ، سخت به بازسازی ارتش برای روبروئی با رستمگان و حراست از منافع سرمایه داران نیازمند است. نرمش و مدارا با

توده‌ها و پرسنل انقلابی ارتش در رابطه با بازسازی ارتش ابداً جایز نیست. اگر دیر اقدام شود، اگر سر بازسازی شود، بیم آنکه حکومت سازگان را بخاطر بیافند وجود دارد. زیرا شام قوا در جهت بازسازی ارتش آریا مهری به پیش! اما هرچه فشار مادی و معنوی دولت و رهبری برای برآوردن انداختن هرچه سریعتر ارتش افزایش می‌یابد اعتراضات و مقاومت های نیروهای آگاه درون و بیرون ارتش نیز فروزی می‌گیرد. سوبزه آنکه اینها کارنامه ارتش "ملی" را قبل از بازسازی کامل و علیرغم ضعف در سنجند، گنبد و نغده پیستی روی دارند و میدانند که ارتش اساساً همان ارتش قبلی است با همان نهادها و همان ضوابط. اگرچه قسمت اعظم این ارتش از سربازان، درجه داران، همافران و افسران آزادخواه و داند امپریالیست و تحت ستم تشکیل شده باشند.

این بار هم مانند زمان قیام، این همافران مبارز و آگاه ارتش بودند که بیگناهی پرسنل انقلابی ارتش شدند و به همین دلیل هم بیش از هر نیروی دیگری در ارتش مورد فشار و تهمت قرار گرفتند و می‌گیرند. همافران که پیشتروترین پرسنل ارتشی از میان آنها برخواستند ابداً باید منفرد و سرکوب شوند تا شرایط مادی برای "پاکسازی" ارتش مهیا شود. برای منفرد کردن همافران گوش های سیستماتیک در جریان است تا مابین آنها و درجه داران و افسران جز اختلافات فزینی و تضادهای غیرمعمول را دامن بزنند و با رو در رو قرار دادن آنها با دوسته فوق الذکر اولاً قسمت مهمی از نیروهای پرسنل انقلابی ارتش و به ویژه همافران را درگیر برخورد های بین توده های ارتشی بکنند و ناشیا آنها را از هدف اصلی خود که مبارزه با امپریالیسم و عوامل آن در درون ارتش است - هدفی که همافران مبارز اساساً به خاطر آن دست به حش و اعتراض زدند - منحرف کرده و بازدارند. در این راه از برخی درجه داران و افسران ناآگاه یا مرتجع استفاده میشود تا اذهان را نسبت به خواسته های همافران متروک کنند. و با آنکه همافران بارها و بارها بر روی سیاسی و داند امپریالیستی بودن خواسته های خود تاکید ورزیده اند (۱)، تلاشی میشود که از زبان برخی از درجه داران و افسران و با توسط خود امرای ارتش خواسته های همافران منحصراً گروهی و رفاهی سنگینی شود و در کنار این تبلیغات و تحریفات، فشار بر همافران با هر طریقت خواسته های متروکی و غالباً سیاسی شان افزایش می‌یابد و این کاملاً طبیعی است. دولتی که نخواهد و نتواند به نیروی لایزال توده‌ها تکیه کند، دولتی که طی حیات پنج ماهه اش نشان داده است مدافع حامی سرمایه داران و زمینداران بزرگ است، ناگزیر است که برای حفظ ملطه خود، برای مقابله با مسائل و مشکلات فاض و پیچیده ای که روبرو دارد، به ارتش سرکوبی با تمام نهاد های داند مردمی و فداکاری اش تکیه کند. به ارتشی که ساخته دست امپریالیستهاست، به ارتشی که بعد از قیام فقط یک تصفیه نیم بند را پشت سر گذاشته است. چنین ارتشی برای دولت آفاسی بازگان لازم است تا بتواند در مقابل خواسته های بحق توده‌ها با گلوله پاسخگو باشد. به منظور که در گوردستان، گنبد، نغده، خرمنشور و... پاسخگو شد.

دست تمنا بسوی امپریالیسم آمریکا

وقتی هدف بازسازی و قوام این ارتش باشد، وقتی دولتی حیات خود را متراشه با احباب و بازسازی چنین ارتشی ببیند برای بازسازی آن به هر راه و شیوه ای هم متوسل خواهد شد. حتی اگر این راه از کانال امپریالیسم آمریکا استفاده از مستشاران نظامی اش بگذرد (۲). و چنین است که سیستم تئالیزمی می‌شود تا مستشاران نظامی آمریکا که در اثر مبارزات قهرمانانه مردم ما اخراج شده اند مجدداً برای "بکار انداختن و اسل و مدرن و پیچیده موجود در ارتش" بازگردانده شوند و طوق اسارتی را که بر گردن خلق ما هست و هنوز بهیچ وجه پاره نشده است محکمتر کنند. آری هدف اینست که ارتش بازسازی شود حال برای طی چنین طریقی اگر لازم باشد شخصی چون رحیمی نیز که هم معتقد به "ملی" بودن ارتش است و هم طرفدار سرکوب خلق توسط ارتش و حتی از اینکه ارتش تا کنون آشپز که باید در سرکوبی شرکت نداشته سخت دل آزرده است (۳)، باید از سر راه برداشته شود، چرا که او مخالف بازگشت مستشاران آمریکا است. استدلال او اینست که ما با همین کادر متعصب موجود در ارتش قادریم ارتش را بازسازی کنیم. اما عقیده دولت و سایر امرای ارتش غیر از اینست و آنها در عین آنکه بشدت برای بازسازی ارتش بیجا بسی

میکنند یکی از کلیدهای حساس و مهم این بازسازی و تقویت ارتش را در بازگشت مستشاران نظامی آمریکا می‌سی - بیکنند ... ادامه دارد ...

یادآوری

(۱) - نمایندگان همافران: "حش و اعتصاب ما معنی تبلیغ بین الطللی و پاکسازی ندارد. بلکه قدم ما از حش، متوجه گردن افکار عمومی نسبت به مسائل سیاسی مملکت است که به همه افکار ایران مربوط می - شود." (آیندگان دوشنبه ۱۸ تیر)

(۲) - اولین خواست همافران پاکسازی ارتش، محصوا نیروی هوایی از وجود عناصر ضد انقلاب میباشد...

از نامه ۱۷ همافر، به نقل از ندای آزادی شنبه ۲۳ تیر و نیز رجوع کنید به قطعه نامه چهارماده ای همافران (ندای آزادی، مورخه ۱۴ تیر)

(۳) - از سخنان یک فرمانده در نیروی هوایی بعد از قیام: "آقایان و خانم ها، کارهایتان را طسوری مرتب و دقیق انجام دهید که وقتی فردا آمریکا بیجا آمدند، نگویند ما عرضه ندانیم به تنهایی کامیونتر ها را نگهداری کنیم." به نقل از نامه یک همافر نیروی هوایی کامیونتر - تهران - فرماندهی لجستیک - مندرج در آیندگان، یکشنبه ۲ تیر

"ما باید وابسته به آمریکا باشیم، زیرا وسائل نظامی ما وابسته به آمریکا میباشد و ما اعلان می - توانیم غیر متعصب باشیم." از سخنرانی تیمار فلاحی فرمانده نیروی زمینی در دانشکده افسری، در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ - به نقل از سرباز و انقلاب، شماره ۹

(۴) - امیر رحیمی میگوید: "برای من جای تاسف است از اینکه ارتش ما، لشکرها را، لشکرها را، زمین ها، هواپیماهای سنگین روی زمین مانده اند در حالیکه استانیای مختلف تاسیساتی هست. این چیزی است که من همیشه با آن مخالف بودم.

"در این تریب نیست که وظیفه اصلی ارتش دفاع از مرزهای مملکت است ولی وقتی یکی از استانیای مملکت دچار آشوب میشود چطور میشود ارتش کنار باشد. پاسداران با ارتش چه فرق دارند به پاسداران میگویند بزن ولی به ارتش میگویند میخوب در پاگان بمان ... (بامداد ۲۶ تیر)

درباره ترکیه

نگاهی به سازمانهای سیاسی آن

ادامه از شماره قبل

در زمانی که هنوز مبارزه ایدئولوژیک بر سرش - های فوق جریان داشت قیام ۶-۱۵ ژوئن روی داد. گروه های انقلابی در مقابل این عمل کاملاً خود را باختند و دیدند که از خلق بسیار عقب مانده اند. اجتماعات روشنگری قطع شد. گروه های طرفدار خط چپ یکی پس از دیگری وارد میدان عمل شدند و حدوداً از همان سال ۷۰ و به ویژه بعد از قیام ۱۶-۱۵ ژوئن دست به عمل زدند.

در این موقع مبارزات کارگری و دهاتی مسج - نویتی یافته بود. عده ای از دهقانان به فلسطین برای گذراندن دوره های آموزش نظامی می‌رفتند. همسنگور عده ای از کارگران ترک مقیم اروپا با هواپیما به بیروت و از آنجا به پایگاه های فلسطینی برای آموزش نظامی می - رفتند.

وجود مبارزات اقتصادی و سیاسی توده ها و همین طور شروع عملیات چپکی، امپریالیسم و طبقات حاکمه در ترکیه را تشدید به نگاه انداخت. نظامیان اطلاعاتی در ۱۴ ماده به حکومت دمیرل داده و او را ساقط کردند و حکومت نظامی روی کار آمد. (در ۱۲ ماه ۱۹۷۱)

قبل از همه سازمانها، جبهه THKPC عملیات مسلحانه را در شهر تحت رهبری ما هرجایان شروع کرد. بعداً ارتش آزادی بخش تحت رهبری دبیر کزمیش و حسین ایمن وارد میدان شدند.

اما در PDA (و با حزب انقلابی کارگران و دهقانان ترکیه) بحث بر سر مبنی در گرفت.

در PDA روشنگرانی جمع شده بودند که تحت تاثیر انقلاب و مبارزات ایدئولوژیک چین بطور گمراه

گرامی باد خاطره رفیق شهید علی اصغر دورس



درفولی دلاورانه مقاومت کردند. طی این درگیری که دو ساعت بطول انجامید، رفقا: دورس و محمدصادق گلشن نهرانی به شهادت رسیدند و بشول فقیه درفولی به اسارت افتاد. شهادت رفیق دورس زیانزدگانی است که شاهد درگیری کوی طلاب بوده‌اند. در جریان این درگیری، مزدورانی به اسمی هرمز جباری ما مور ساواک و سروان شریفی که بعداً درجه سرگردی گرفت و نیز شخصی بنام آشتی شرکت داشتند. جریان این درگیری در روزنامه‌های شهم مرداد ماه ۵۲ تحت عنوان "کشتی یک گیسو" وسیع خرابکاری در مشهد، همراه با دروغ‌های بسیار معمول چاپ شد.

رفیق شهید دورس جوانی پرشور، بهر تحرک و فداکار بود و همه امکاناتش را راه خدمت به خلق زحمتکش و سازمان انقلابی بکار می‌گرفت. برای او رهاشی زحمتکش ترین اقشار خلق به ویژه طبقه کارگر اهمیت درجه اول داشت. او با تحولات ایدئولوژیک بخش مشتب (م. ل.) سازمان ما حدین خلق ایران هم آهنگ و راه او رهاشی بنیادی انسان از ستم امپریالیسم ارتجاع و استثمار بود.

همزمان با شهادت رفیق دورس، رفیق شهید عبدالله امینی نیز در حالیکه در شهر به پیش و چساندن اعلامیه بدیوار مشغول بود با مأموران جانیکار ساواک درگیر و زخمی و دستگیر شد که به موقع خود از این رفیق شهید نیز با دواخواهی کرد.

گرامی باد خاطره رفقای شهید دورس، گلشن نهرانی و امینی
هر چه فروتنتر باشد و انقلابی خلق را به راه افکندن هرگونه ستم و استثمار

پس از گذراندن یک دوره کمک مهندسی رادیو تلویزیون در شرکت توانیر استخدام شد ولی چون پشت میز نشینی با روحیه بر تحرک و سازگاری نبود استقلال داد و در نتیجه آشنائی قدیمی که با رفیق شهید عبدالله امینی داشته به کار سیاسی و انقلابی علاقمند تر گردید و از آن بعد در رابطه با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت و تمامی امکانات خود را در جهت رفع نیازهای سازمان قرار داد و از طرف سازمان، از طریق رفیق شهید عبدالله امینی با موریست بافت گیسو عمدتاً به منظور کسب اطلاعات دقیق از فعالیت‌های ساختمانی پابگاه نظامی چاه بهار به آنجا رود. او با شرکت یک نفر دیگر یک کامیون کمپرسی خرید و در چاه بهار مشغول به کار شد و اطلاعات دقیقتری در رابطه با آن طرح امپریالیستی نظامی بدست آورد و در اختیار سازمان گذارد. رفیق دورس که از تحرک انقلابی جنگجوی سرخورده بود و قدرت فوق العاده‌ای در جوشش با شوره‌ها داشت در شناختن راههای مریز بین ایران و افغانستان و دخول و خروج رفقای مخفی سازمان فعالیت ارزنده‌ای داشت و خدمات قابل توجهی در این راه به انقلاب می‌نمود. رفیق از اردیبهشت ۵۲ که ساواک در مدد دستگیری او برآمد زندگی مخفی را برگزید. او به کمک خانواده‌اش و رعایت اصول امنیتی از اطلاعات امنیتی ضروری مطلع می‌گشت و از همین طریق توانسته بود چند بار خود و شاخه سازمانی را که در آن کار می‌کرد از پیگرد پلیس نجات دهد.

در خرداد ۴ مرداد ۱۳۵۴ خانه شبی او در کوی طلاب مشهد، مورد محاصره قرار گرفت. او به اتفاق یاران رزمنده‌اش محمدصادق گلشن نهرانی (که رزم شاه خاشن او را بنام کاظم مدنی اعلام کرد) و بشول فقیه

در نیمه اول سالهای ۵۵ که کامیون رزمی جانیکار شاه بر کشور ما سایه شوم خود را گسترده بود، در آن زمان که امپریالیسم جهانی و بورژوازی وابسته برای تحکیم و ادامه سلطه جابرانه خویش خودهای زحمتکش را می‌کشد و بسیاری از انقلابی‌نماهای پس از انقلاب که اکنون از گونی سلطنت را نا جوانمردانه و خنک نظاره از آثار سر انگشتان خود و طرز تفکر خود میدانند، عمدتاً به سکوت رعایت آمیز و توجیه بی عملی خود مشغول بودند، در آن زمان که حتی اندیشه انقلاب کردن و فکر در افتادن با دیو ساواک و... و جاسارت و ایمان به پهلوی نهائی خلق را طلب می‌کرد، کم نبودند جوانان انقلابی و رزم‌آوری که جان در راه آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان خلق گذاردند و بی هیچ چشمداشتی بر کلیه توجیهات اطلاع طلبانه و فرار از مسئولیت‌بشمار زدند و سروان را در راه انقلاب باختند. یکی از اینان، رفیق شهید علی اصغر دورس بود.

او در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر مشهد متولد شد. دوره تحصیلی را در دبستان دبستان و دبیرستانهای این زمین، فردوسی و جهان دانش مشهد گذراند و دبیر خود را از تهران گرفت و دوران خدمت نظام را در سپاه ترویج و آبادانی در منطقه بین قوچان و دره‌گر سپری کرد.

او با دردهای مود ستم‌دیده آشنائی نزدیک داشت و بخاطر کمک‌هایی که به دهقانان در مورد پرداخت ۲٪ آنان می‌کرد و بخاطر فرار از سربازی با مشکلات زیادی مواجه شد.

سعادت‌ی خادام خلق است

مبلغین تئوری رونیونیستی "سه جهان" در ترکیه، شاه ایران را مستقل و ملی میدانستند!

چین را دنبال می‌کردند. اما در یک چنین مرحله بحرانی تحت‌الوای کار آرام سیاسی در حقیقت از همان کنار سیاسی نیز شانه خالی می‌کردند.

گروهی در درون PDA که بعد از قیام ۱۶ - ۱۵ زوئن شکل گرفته بودند در مقابل سیاست‌های اپوزیونیستی راست‌رئری PDA مقاومت کردند. گروه جدید مخالف مبارزه علنی بوده و عقیده داشت که تجربه ۱۶ - ۱۵ زوئن هرگونه فعالیت علنی و فرم‌مستی را نفی می‌کند. مبارزه ایدئولوژیک در درون PDA تا دوماه ادامه یافت تا اینکه شکل جدید تحریریه ابراهیم کامیابا از PDA (سه) انشباع و تحت نام ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان ترکیه (و با حزب کمونیست ترکیه م. ل.) وارد میدان عمل گردیدند.

در این قسمت از مقاله به بررسی خط مشی گذشته و حال ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان، ارتش

(*) PDA با تکیه بر اپوزیونیسم راست‌م اکنون به سمت سیاست‌های ضد انقلابی پیش می‌رود و هنوز تشکیل علنی خود را حفظ کرده و بطور مستقیم مبلغ تر رونیونیستی "سه جهان" در سطح ترکیه است. PDA دست به ایجاد حزب ملّتی کارگران و دهقانان ترکیه "زده" است. شعار فعلی و عمده جنبش را ایجاد "ترکیه مستقل" نه آمریکا نه روسیه، ترکیه مستقل ("همچون سازمان انقلابی و... که شعار مده‌اش می‌باشد") می‌داند. برای ایجاد یک جنبش استقلال‌خواه به وحدت با جناح‌هایی از وابستگان به امپریالیست‌ها هستند! و اینها را به ویژه با "تئوری سه جهان" شورشی کرده و بی‌گروگات آتسرا پیاده می‌کنند. اینان شاه ایران را مستقل و ملی میدانستند. از سفر شاه در سال ۷۵ به ترکیه دفاع کردند و آتسرا گامی در جهت وحدت کسورهای جهان سوم و غیره ای به ابرودر آنها نمی‌انند. آنان به هیچ وجه از انقلاب حزبی می‌پرهیزند. (بازم همچون سازمان انقلابی و دیگر هم نظران وی)

را بعهده داشت. ه: در ترکیه و کشورهای نظیر ترکیه (نیمه مستعمره نیمه فئودال) فاشیسم، دیکتاتوری بورژوازی بزرگ و فئودال‌هاست.

جبهه واحد خلق با تکیه بر اتحاد کارگر-دهقان بعد از تأسیس قدرت سیاسی سرخ در یک و با چند مسئله به تحقق خواهد پیوست.

و: ما باید از حق تشمین سرنوشت ملت‌ها بدست خویش بدون هیچ قید و شرطی دفاع کنیم.

احزاب عدالت، اعتماد ملی، دمکرات و جناح اینونیوئی حزب جمهوری خواه خلق، احزاب سیاسی حافظ منافع گوناگون بورژوازی وابسته به آمریکا و فئودال‌ها هستند و جناح اجوبیتی حزب جمهوری خواه خلق دارای خلعت خرده‌بورژوازی است.

ز: نقطه نظرات در مورد مسائل املی و فرعی مبارزه سازماندهی در مرحله انقلاب دیکراتیک خلق چنین بود:

۱- مرکز اصلی فعالیت انقلابی روستا ست و فعالیت انقلابی در شهر جنبه فرعی دارد.

۲- محور مبارزه، مبارزه ملّحانه. دیگر اشکال مبارزه جنبه فرعی دارد.

۳- کار مخفی املی و شکل علنی کار فرعی است.

۴- مادام که دشمن از ما قویتر است، استراتژی دفاع املی است.

۵- در استراتژی دفاع تاکتیک تعریفی جنبه املی و تاکتیک دفاعی جنبه فرعی دارد.

۶- در مبارزه ملّحانه مبارزه چریکی امل و دیگر اشکال مبارزه فرعی است.

۷- در دوره استراتژی دفاع در شهرها (شهرهای بزرگ) شیوه املی، جمع آوری نیرو و بدینال فرصت نشستن است و ترتیب قیام دادن فرعی است.

۸- املی ترین سازماندهی‌ها سازماندهی حزب است.

۹- در بین دیگر اشکال سازماندهی، سازماندهی مبارزه ملّحانه املی است.

۱۰- تکیه گاه اصلی باید بر نیروهای خودی باشد و تکیه بر متحدین جنبه فرعی دارد.

۱۱- در کشور ما شرایط برای مبارزه ملّحانه وجود دارد. با توجه به مواد الفتا می‌توان به مشی و سیاست ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان ترکیه در ما بین سالهای ۷۲ - ۷۵ پی برد. ادامه دارد

آزادیبخش خلق ترکیه و جبهه آزادیبخش خلق ترکیه-اشتمالیاتی که بعداً در آنجا روی داده و... می‌پردازیم: بطور خلاصه خطوط اساسی نظرات گذشته ارتش

آزادیبخش کارگران و دهقانان ترکیه عبارت بود از:

الف: شکل بندی اجتماعی - اقتصادی ترکیه نیمه فئودال نیمه مستعمره است. اتحاد فئودالیسم با خلق چشون

تفاذهای دیگر را تحت اشباع قرار داده، ضاده عمده است. ب: مرحله فعلی انقلاب در انقلاب دیکراتیک خلق است.

در کشورها نظیر کشور ما، مبارزه علیه فئودالیسم از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نبوده و به هم

مربوطند. اساسی ترین مسئله انقلاب خلق، انقلاب ارضی است. برای این منظور باید تحت رهبری پرولتاریا و

با همکاری دهقانان فقیر و متوسط در مناطق وسیع دست به مبارزه ملّحانه زده و در آن مناطق نواحی آزاد

شده تشکیل داد و در جنگ دراز مدت این نواحی آزاد شده را دست داده به شهرها حمله ور شد. در پایان

با تصرف شهرهای بزرگ در سطح کشور قدرت سیاسی را به دست را آورد.

در ترکیه محتوای طبقاتی جبهه ضد فئودالی و ضد امپریالیستی با محتوای طبقاتی جبهه ضد فاشیستی یکی است.

ج: در تمام کشورها و در ترکیه شرایط معنی انقلاب به بهترین وجهی وجود دارد.

در اتحاد شوروی و اروپای شرقی بعد از مرگ استالین بار دیگر قدرت بدست بورژوازی افتاده است و

در شوروی رونیونیسم مدرن به وسایل امپریالیسم تبدیل شده است. امروز در جهان رهبری چریکیان

رونیونیسم مدرن بدست وسایل امپریالیسم روس هدایت می‌شود.

د: انقلاب کمالیست‌ها، انقلاب بورژوازی تجاری بزرگ، فئودال‌ها، دلال‌ها و به مقدار تارلی بورژوازی صنعتی

بود. در این انقلاب خرده‌بورژوازی که دارای خلعت ملی است نه عنوان نیروی رهبری بلکه به عنوان دنباله

رو جریان دخالت داشت.

پارلمان ترکیه از آغاز تا بحال به عنوان نقاب دیکتاتوری فاشیستی فئودال‌ها و بورژوازی کمپرادور

قرار گرفته است. حزب کمونیست ترکیه تا موقعیکه تحت رهبری صحنی قرار داشت، حزب کمونیست لنینی بود، اما بعد از قتل نا جوانمردانه صحنی، رونیونیست‌ها رهبری حزب را بدست گرفتند. تشق حنوبعدت سیال رهبری حزب

بلشویک‌ها و مسئله شرکت در مجالس

دوم انقلاب شکست خورده و شرایط "مقننه"

اطلاعیه

بدینوسیله به اطلاع میرسانیم که بخاطر پیشتند هدفهای خود از شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" که همانا افتای این "مجلس" و شکستن توم نوده‌ها نسبت به آن و افتای مابتر رژیم حاکم میباشد ، از کاندیدای های سازمان چریکهای فدائی خلق پشتیبانی نمیشدیم . این پشتیبانی ، علاوه بر ضرورت فوق ، همچنین می تواند جنبش چپ را در برابر حملات و تشاجمات تفرقه افکنانه دولت و انحمارطلبان ، حول یک عمل مشترک ، انجماد و استحکام بخشد و نتیجه دیگر انجماد انجمن رادبرابر بورژوازی حاکم تقویت نماید . از این رو ، این پشتیبانی را ، که حداقل همکاری نیروهای چپ در این زمینه است ، و طبقه خود دانسته ، ضمن اینکه از کلیه هواداران خود میخواهیم از کاندیدای های سازمان چریکهای فدائی خلق حمایت و پشتیبانی نمایند ، از تمام نیروهای مبارز و دموکرات و چپ خواستاریم که از کاندیدای های انقلابیون دموکرات و مارکسیست-لنینیست ، پشتیبانی نمایند .

روندگان آزادی طبقه کارگر
مبارزین آزادی خلق ایران
اتحادیه رزده در آلمان طبقه کارگر
پیوسته
سازمان پیکار در آلمان آزادی طبقه کارگر

"... تحریم دمای ویت هرنند دوما را خیلی اراعتبار انداخت و اطمینان قسمتی از اهالی را نسبت به دوما ست نمود . با وجود این نتوانست دوما را عقبیست سارد زیرا این تحریم چنانکه اکنون واضح گردیده در شرایط منزل و اسطاط انقلاب عملی شده بود ، از این رو تحریم دمای اول در سال ۱۹۴۶ موقعیت بهتر نبود..." اما در حالت سوم : زمانی که اعتلای انقلابی وجود دارد و دورنمای انقلاب نیز نزدیک است ، بایستی با مسئله شرکت در مجالس بطور مشروط برخورد کرد. آنچه در اینجا باید معیار و ملاک اصلی تحریم با شرکت قرار گیرد میزان آگاهی نوده‌ها و اینکه آنها تا چه اندازه در تجربه خود توانسته‌اند به انقلاب معتقد باشند و ارتوهم درباره حکومت بعد آمده و نسبت به راه و روشی که باید برای دفاع از منافع خویش در پیش گیرند ، آگاهی یافته‌اند ... در چنین شرایطی هم امکان شرکت و امکان تحریم هر دو وجود دارد . زمانی که طوفان انقلاب آنچنان نزدیک است و آگاهی نوده‌ها در حدی است که آماده انقلاب اند شرکت در پارلمان نا صحت است و بالعکس زمانی که هنوز اکثریت نوده‌ها در مورد آنچه باید بکنند تردید دارند میتوان از تریبون مجالس نیز برای تربیت نوده‌ها استفاده نمود . در پیش نویس قطعنامه های پیشیندهی بلشویکها برای طرح در کنفره پنجم حزب چینی آمده است :

این کنفرانس اعلام میدارد که :

- ۱- بحران اقتصادی ای که در پیش چشم ما انکشاف می - باید ، یک بحران مشروطه خواهی نیست ، بلکه یک بحران انقلابی است که به پیکار مستقیم نوده‌های پرولتری و فدائی علیه استبداد می انجامد .
- ۲- بنابراین مبارزه انتخاباتی برای دومائی که در پیش داریم صرفاً می بایست به عنوان حلقه ای در رجبر مبارزه انقلابی خلق برای قدرت تلقی شود . و به اینس عنوان مورد بهره برداری قرار گیرد .
- ۳- اینجاست بلشویکها علیه رژیم چنداندار رو به سودی که از انقلاب آید می بینند ، با توجه به مجموعه شرایط در این مجلس شرکت میکنند . (البته بایستی توجه کرد که بعداً پیشینسی بلشویکها از روند اوضاع آبی - درست از آب درآمد) .

سوم زمانی که اعتلای انقلابی وجود دارد و نوده‌ها برای مبارزه قطعی با خد انقلاب آماده می گردند و دور - نمای انقلاب نزدیک است .

بلشویکها در تاریخ مبارزات خود بر علیه - تزاریم ، تحریم را در حالت اول قاطعانه عملی می - کردند . زیرا در چنین شرایطی که نوده‌ها بیشتر از هر زمان دیگر به راه انقلاب روی آورده‌اند ، شرکت در پارلمان که هدف دشمنان نوده‌ها از آن کشادن خلق به راه " مشروطه " است ، کاملاً نادرست می باشد . هدف دشمن از تشکیل پارلمان در چنان شرایطی جات خود و شکست دادن انقلاب و سپس سرکوب خلق است و بهمین لحاظ هرگونه شرکتی در واقع افتادن در دام دشمن است در چنین حالتی تاکنیک کمونیستها بایستی طوری باشد که بیشتر از پیش حفاظت انقلاب را به مثابه تشهارا - نجات نوده‌ها برسد و تر سارد و از اینجا است که تحریم به عنوان تنها راه اصولی و انقلابی تلقی می گردد :

"... تجربه دمای بولگینی (و) نشان داد که تحریم یگان تاکنیک درستی بود که حوادث آبرانامایا تاخیر کرد (لنین جلددهم ص ۲۷ ، چاپ روسی) .

این تحریم از آخرو موقعیت بخشد که مردم را نه تنها از خطر راه مشروطه تزاری بر حذر نمود ، بلکه دوما را پیش از تولد معقم ساخت . کامیابی تحریم برای آن بود که در موقع عموم روزافزون انقلاب به موقع اجرا گذاشته شده در موقع منزل انقلاب و تکیه آن بهمنس نمود بود . چونکه دوما را تنها در شرایط عموم انقلاب ممکن بود معقم ساخت (تاکید از ماست ، ص ۱۲۴ ، همانجا)

تحریم فعال

اما زمانی که تحریم مجالس مقننه فوق الذکر در دستور قرار می گیرد ، باز کمونیستها صرفاً به تحریم غیر فعال و " امتناع ساده " اکتفا نمی کنند (روشی که برخی از مارکسیست-لنینیستها در حال حاضر اتخاذ کرده‌اند) بلکه این تحریم نیز در رابطه با منافع زحمتکشان قرار دارد . در اینجا نیز تقویت و همراهی هرچه بیشتر نوده‌های به پا خاسته که در جاده انقلاب گام برمی دارند مطرح است ، در اینجا نیز تحریم بیدان خاطر صورت می گیرد که از اینجا هرنوع توم و شامیل به راه " قانونی " و " مشروطه " جلوگیری میشود - چیزی که نهایت آرزوی هیئت حاکمه و طبقات مرفه - اجتماع است - و نوده‌ها بیشتر از پیش در راه روش انقلاب می به پیش روند .

در این رابطه در تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین می خوانیم : "... بلشویکها می بایستی مسئله شرکت در تحریم دمای دوم را حل کنند . بلشویکها وقتی درباره تحریم سخن می رانند معمولاً منظورشان تحریم موثر بود نه امتناع ساده منفی از شرکت در انتخابات . بلشویکها تحریم موثر را به تدریج آن وسیله انقلابی می نگریستند که ملت را از نیت ترار که می خواست روی را از راه انقلابی براه " مشروطه " تراری درآورد بر حذر نگاه می دارد و نیز این تحریم را به منزلت وسیله غشی نمودن چنین نیتی و سدا رک عموم تارو ملت بر ضد تزاریم می دانستند . " ص ۱۲۴ همانجا .

در حالت دوم : از نظراصولی شرکت در پارلمان انگالی ندارد ، زیرا که نوده‌ها در مقابل فزایش ارتجاع در حال عقب نشینی هستند ، و در چنین شرایطی استفاده از هر تریبونی برای سخن گفتن می توانست بیش از پیش در خدمت آنان قرار گیرد . بلشویکها در سال ۱۹۴۶ دمای اول (ویت) را تحریم کردند ، اما بعداً در انتقاد به این تحریم چنین مطرح کردند که :

(و) دمای شوروی بولگین در اکتبر ۱۹۴۵ از جانب ترار برای تربیت خلق وعده داده شد .

در رابطه با " مجلس خبرگان " و شرکت با عدم شرکت در آن ، نقطه نظرات متفاوتی در بین نیروهای مارکسیست-لنینیست و دموکرات وجود دارد . بخشی از این نیروها شرکت در " مجلس خبرگان " را جایز می - دانند و برخی آنرا تحریم می نمایند . ما در اطلاعیه " چرا در انتخابات مجلس خبرگان شرکت میکنیم " همراه با گروههای دیگر تا حدی چرایی شرکت خود را در این مجلس متذکر شده ایم در اینجا برای روشن شدن گوشه دیگری از این موضوع ما به تاکنیک و نحوه برخورد بلشویکها به مجالس دوما (و کلاً مجالس دولتی) اشاره میکنیم . قبلاً لازم به یادآوری میدانیم که :

الف : هدف بلشویکها از شرکت در دوما و با تحریم آن در سال های ۱۹۴۵ به بعد افتاکری و استفاده از تریبون ارتجاع برای تربیت نوده‌هاست . در حالیکه در سال ۱۹۱۷ از آنجا که قدرت سیاسی تقسیم شده است هدف تثبیت این قدرت سیاسی است . (بایستی توجه کرد که بلشویکها در سال ۱۹۱۷ در عین حال که تشکیل مجلس موسان را تبلیغ میکردند ... تنها یکماه پیش از انقلاب اکثریت بود که ایگان یافتند در آن شرکت کنند ، ولی بلافاصله پس از انتقاد به تاکنیک خویش از آنجا بیرون آمدند زیرا که انقلاب نزدیک بود !)

ب : موضوع دوم اینکه ما هیئت دولت هرچه باشد ، نمی - تواند ملاک شرکت یا تحریم در مجالس مقننه قرار گیرد . میتوان و باید هرگاه لازم شد در ارتجاعی ترین مجالس نیز حضور یافت . بطور مثال بلشویکها با اتحاد تاکنیک درستی در دمای دولتی (دمای دوم تزاری) شرکت می کنند ، بدون اینکه لحظه ای ما هیئت ارتجاعی شزار را فراموش کرده باشند .

تحریم با شرکت در هرنوع پارلمان ارتجاعی و بورژواشی با دو مشخصه اساسی ممیز می گردد :

اول اینکه شرکت در چنین مجالس ، بخاطر چانه زدن با دشمنان پرولتاریا در تصویب این یا آن قانون نیست ، بخاطر ایجاد محدودیت برای دشمنان پرولتاریا هم نیست ، ... بلکه مسئله این است که اگر شرکت در چنین مجالس لازم شود (در مورد شرایط جایز نبودن شرکت بعداً صحبت خواهیم کرد) هدف افتای ما هیئت این مجالس ، و مبارزه بر علیه تشکیل دهمگان آن بخاطر در آوردن نوده‌ها از توم موجود نسبت به هیئت حاکمه ، بخاطر جلب متحدین پرولتاریا به سمت تاکنیک انقلابی و بخاطر نشان دادن بیهودگی راه " مشروطه " و در مقابل نمایانندن حقانیت تنها راه پروری بیتی انقلاب است . در این باره در تاریخ حزب بلشویک اتحاد شوروی چنین می - خوانیم :

"... ولی رفتن بلشویکها به دوما برای آن بود که در آنجا با کادتها همدست شده و در پیکر دوما به کارهای " قانون گذاری " سرگرم شوند ، چنانکه بلشویکها همینطور رفتار می کردند ، بلکه بلشویکها برای آن رفتند که از دوما به عنوان کرسی عطایه برای منافع انقلاب استفاده نمایند " ص ۱۲۶

همینطور لنین می گوید : " تاریخ ثابت نمود که در موقع انعقاد دوما امکان تسلیماتی مفیدی از درون و در پیرامون دوما حاصل می شود و سیر اینکه تاکنیک نزدیک شدن با دهقانان بر ضد کادتها در داخله دوما امکان پذیر می گردد ...

و در همین رابطه در انتقاد به موقع بورژواشی بلشویکها چنین آمده است :

" برعکس ، کمته مرکزی بلشویکها به دوما مانند آن مو - سه قانون گذاری که می تواند حکومت ترار را لاجم زند نگریسته و دعوت می کرد که با کادتها - سازش انتخاباتی بشود و از آنها در دوما پشتیبانی بعمل آید " ص ۱۲۶ .

مسئله دوم - این است که این تحریم با شرکت در چه شرایطی از اوضاع و احوال سیاسی جامعه صورت می - گیرد ، در این رابطه به حالت می تواند وجود داشته باشد :

اول نوده‌ها در حال انقلاب بر علیه سیستم ارتجاعی هستند و هر روز فزاینده‌تری بر دشمن وارد می یابند .

هیئت حاکمه قول و قرارهای خود را در مورد تشکیل مجلس مؤسسان زیر پا گذاشته است

برای بررسی موقعیت خرد بورژوازی سنتی در انقلاب طبقاتی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی و وضعیت فکری و ایدئولوژیک آنرا مورد توجه قرار دهیم.

موقع بینابینی، ناپیگیری، تزلزل و محافظه - کاری، غفلت سازگاران و... خصوصیات هستند که خرد بورژوازی بعنوان یک طبقه اجتماعی واجد آنست و همین خصوصیات در شرایط و مقاطع مختلفی از پروسه رشد و حرکت انقلاب در موقع گیری این طبقه و نهادنگان سیاسی - فکری اش جلوه های بارزتری می باید. اگر خرد بورژوازی در شامیت خود در انقلاب دمکراتیک و خرد امپریالیستی تا درجه ای غفلت دموکراتیک و خرد امپریالیستی دارد، متقابلاً این آماردی را نیز دارد که با ناپیگیری و محافظه کاری و تزلزل، بورژوازی (حزب کارگر)، به انقلاب پشت کرده و خواهان توقف انقلاب و ارزش با دشمن شود. با غلبه دولت دمکراتیک و خرد امپریالیستی و نیز سازگاری و محافظه - کاری اقلیت مختلف خرد بورژوازی، میزان پیگیری و ناپیگیری این اقلیت در مبارزه بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها دارای اختلافات روشن و قابل تشخیص است.

خرد بورژوازی مرفه (بخصوص در اینجا بخش سنتی آن) بخشی از کل خرد بورژوازی است که از دیگر اقلیت خرد بورژوازی ناپیگیری، تزلزل و سازگاری بیشتر است. که این امر چه به لحاظ موقعیت اقتصادی - اجتماعی اش که شانه به شانه لایه های ناپیگیری

به امپریالیسم و در پهنود سیر اختلال سرمایه اشد و سرمایه های امپریالیستی امکان پذیر خواهد بود. البته محتال است، با ترمیم، تعدیل و اصلاح " سیستم سرمایه - داری وابسته توسط دولت بورژوازی حاکم و در جریان رشد سیاسی حلقه و فعالیت سرمایه های امپریالیستی - لایه های باثینی بورژوازی لیبرال تحت تاثیر جریان پلازیسیون و فشارهای سیاسی اقتصادی از جرگه جبهه ضد انقلاب خارج شده و در موقع اپوزیسیون قرار گیرد. اما باید توجه داشت که موقع گیری کنونی جناحی از بورژوازی لیبرال از جمله " جبهه ملی " و حالت ظاهراً اعتراضی و " اپوزیسیون " آن نسبت به دولت، نه در مخالفت با سیاستهای سازگاران و خمیمه و گرایش کمپرادوریتی دولت بلکه اساساً در مقابل سیاستهای اعمال سیاستهای خرد بورژوازی شوک در قدرت است که با اقدامات و قدرت طلبی اش عرصه را برای دستیابی تمامی قدرت برای بورژوازی با مشکلات روبرو می ساخته است. بورژوازی لیبرال که در حال حاضر جناحی از آن در اختلاف با خرد بورژوازی مرفه و بورژوازی کمپرادور پیشین قدرت سیاسی را دستورات دارد، با غلبه دولت با پیشرفت انقلاب و خواستهای دمکراتیک خرد بورژوازی روی به جانب امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور داشته، و رشد خود را در گرو سازش و وابستگی به امپریالیسم و مقابله با رادیکالیسم جنبش خلق می باید.

از این رومفون سیاستهای بورژوازی حاکم را خمیمه و گرایش به کمپرادوریزم تشکیل میدهد. به این ترتیب قدرت دولتی موجود خط مشی و سیاستهای آتی خود را بر محور وابستگی ایران به امپریالیسم و بر پایه اختلاف با بورژوازی کمپرادور پی ریزی کرده است. نگاهی به

بورژوازی لیبرال روی بجانب امپریالیسم و بورژوازی وابسته داشته، و رشد خود را در گرو وابستگی به امپریالیسم و مقابله با رادیکالیسم جنبش خلق می باید.

بورژوازی لیبرال می باید وجه ازلحاظ فکری - سیاسی که نسبت به دیگر اقلیت خرد بورژوازی مواضع غلبه مانده تر و ترجیحی ای داراست قابل توجه است. خرد بورژوازی مرفه سنتی در این لحظه از حیات تاریخی جامعه ما به دلیل اینکه مبارزات انقلابی بوده طی دوره اخیر تحت رهبری خرد بورژوازی بود و از قیام با نظر این بخش از خرد بورژوازی طی پلازیسیون نیروها و پروسه بگانه شدن قدرت دوگانه خرد بورژوازی (شورای انقلاب، کمیته ها، دادگاههای انقلاب و...) و قدرت دولتی بورژوازی خواست میبش از پیش قدرت خود را بر ارگانهای قدرت بیافزاید. با منوی نمودن و تشویه نمایندگانی سیاسی - فکری اقلیت میانی و باثینی خرد بورژوازی از ارگانهای قدرت خرد بورژوازی بر این ارگانهای قدرت، سلطه کامل یافته و سیاستها و برنامه ها و شایستگی انحمارطلبانه اش را بر سایر اقلیت و طبقات خلقی تحمیل نماید. از سوی دیگر طی همین پروسه، خرد بورژوازی مرفه سنتی با ایجاد شکل های سیاسی حثت هومونی خود (حزب جمهوری اسلامی و...) و نیز به با ساداران و کسب حمایت مداوم از سوی امام خمینی و از این طریق جلب حمایت شده های وسیع خرد بورژوازی میانه و باثین و حتی مدافعان و انشاری از پرولتاریا پس استفاده از ضعف آگاهی و شکل آنها توانست در ائتلاف و اتحاد عمل با دولت بورژوازی قدرت قابل توجهی بیاید.

(ادامه دارد...)

(۱) - کلیه سرمایه دارانی که سرمایه از ایران خارج کرده اند، در صورت بازگرداندن سرمایه، اجازه فعالیت آزاد در ایران را خواهند داشت. از این نظر تضمین جانی و مالی آنها بمعهده من (۲) خواهد بود. (مولوی رئیس بنایک مرکزی ایران، کیهان ۱۵ اردیبهشت)

(۲) - اردلان وزیر امور اقتصادی و دارایی، در یک محامیه مطبوعاتی در روز ۵ اسفند اعلام داشت: " در حال حاضر محتوای سیاست اقتصادی کشور تفاوتی نخواهد کرد... روالی که ما داریم، همان برنامه های گذشته است، تا وقتی که بتوانیم قدری اوضاع را منظم کنیم. در مورد تجارت خارجی قطعاً تغییراتی (۳) داده خواهند شد، ولی محتوای سیاست اقتصادی در حال حاضر فرقی نمیکند. " (اطلاعات ۵ اسفند)

(۳) - قرارداد ایران و کربوب که خرید بخشی از سهام آن در دوران رژیم پیشین بخاطر جلوگیری از ورشکستگی این انحمار مطیع منتهی الان صورت گرفت، هنوز لغو نشده است. (کیهان دوشنبه ۱۵ اردیبهشت)

بورژوازی لیبرال روی بجانب امپریالیسم و بورژوازی وابسته داشته،
و رشد خود را در گرو وابستگی به امپریالیسم و مقابله با رادیکالیسم جنبش خلق می باید.

اقدامات و برنامه های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی ارائه شده توسط دولت موقت پس از قیام، گویای این مدعا است. هر چند که در اجرای این برنامه ها در اکثر فشار جنبش خودی و تضاد و اقدامات خرد بورژوازی با مشکلاتی روبرو شده و ناچار از رفیرمهاشی شده است. بعنوان مثال: طرح خرید سهام سرمایه داران - بزرگ وابسته و امپریالیستی و دولتی کردن بانکها و برخی منابع میثوان نام برد. سفر انشایی مولوی رئیس بنایک مرکزی مبنی بر فرا خواندن سرمایه های فرای (۱) بخشان و اطلاعاتی مکرر وزیر کشاورزی در مورد مسئله ارضی، اعلان جنگ به دهقانان، برنامه اقتصادی ارائه داده شده توسط اردلان وزیر اقتصاد (۲) حفظ قراردادهای امارت بار اقتصادی نظیر قراردادهای ایران و کربوب و اینکه سرمایه - گذار بها (۳) با قیام خود قراردادها و میثانیهای نظامی و سیاسی و اقتصادی متعدد با امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا... همه گوشه های از اقدامات و برنامه های دولت موقت در این زمینه است.

خرد بورژوازی (بخش سنتی) موقعیت اجتماعی و سیاسی این نیروی اجتماعی از آنجا که لایه های گوناگون متشکله آن، به خصوص در این مرحله از رشد مبارزات طبقاتی، بطور محسوس مواضع و سیاستهای معینی را نمیتوانند که مرزهای آن تا حدودی قابل تشخیص اند، ضرورت دارد که به هر یک بطور مجزا پرداخته شود.

این بخش از خرد بورژوازی در شرایط فعلی و در این مقطع از مرحله انقلاب دمکراتیک و خرد امپریالیستی جامعه ما دارای موقعیت ویژه ایست که چونگی برخوردار به آن بهمین دلیل نیز مهمتر است. از این رو سعی میکنیم بطور مشروح تری به بررسی موقعیت این قشر - بهر دازیم.

نابودی کامل رژیم سرمایه داری وابسته
به امپریالیسم میسر نخواهد شد مگر
با دستیابی کامل نیروهای خلق به تمامی
قدرت سیاسی، برهبری پرولتاریا

ادامه از صفحه اول آرایش...
دائمه تحول انقلابی در سیاست (روستا) را به تحول بنیادی دگرگونی در مناسبات طبقاتی و ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه بگشا نشد.

سبب ارتدگ بر تحول سیاسی حاضر، همانطور که قبلاً یادآور شدیم تنها به سرنگونی رژیم مزدور سلطنتی و وارد آمدن خیرات کاری بر بیکر سرمایه داری وابسته (بورژوازی سرمایه داری کمپرادور بوروکرات) انحصار، و نه نابودی کامل قدرت سیاسی و لاجرم قدرت اقتصادی آن، و نیز منجر به ایجاد دولت بورژوازی، از اختلاف بورژوازی مرفه و بورژوازی کمپرادور غیر بوروکرات شد. از این رو در تداوم مرحله انقلاب دمکراتیک و خرد امپریالیستی، مسئله وابستگی، همچنان مسئله اصلی و محوری ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه بوده و تداوم اصلی آن همچنان شهاد میان خلق و امپریالیسم می باشد. اما همانطور که قبلاً نیز متذکر شدیم تحت تاثیر همین تحول سیاسی، آرایش نیروهای اجتماعی دستخوش تغییر شده و پایه اجتماعی شهاد در این مرحله از انقلاب نسبت به گذشته تغییر کرده است. این تغییرات را مورد ارزیابی قرار میدهم:

۱- بخش بوروکرات بورژوازی کمپرادور:

این بخش از نظر کمیت جز کوچکتر اما قدرتمند طبقه پیشین ایران را تشکیل میداد ما حیان عمده انحصارات مالی و منتهی وابسته، عمده زمینداران بزرگ و بخش اعظم بورژوازی بوروکراتیک یعنی روستا و مدبران مالی مؤسسات دولتی، مالی و نظامی، دلالان و جاسوسان امپریالیسم در ارگانهای مختلف دولتی را که مستقیماً وابسته به پادشاه بودند، در بر میگرفت. که قدرت اصلی را در هیئت حاکمه ایران و دولت در دست داشتند. در اثر قیام شکوهند بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی و پیمادهای آن، این بخش از بورژوازی وابسته که از نظر سیاسی و چه اقتصادی، غربت مرگباری را متحمل گردید و قدرت آن نابود گشت.

اعدا مها و تشویه های که در بخش های مختلف ماشین دولتی از اولین روزهای پس از قیام تا کنون، صورت گرفته است عمدتاً نمایندگان این بخش را در بر میگیرد (اعدام هویا، نمری، فرماندهان و مهره های اصلی ارتش مزدور شاه، وزیران کابینه و...)

۲- بورژوازی کمپرادور غیر بوروکرات

این بورژوازی که بخش مغلوب هیئت حاکمه پیشین را تشکیل میداد شامل سرمایه داران بزرگ عمومی وابسته در رشته های گوناگون صنعت، تجارت، کشاورزی، خدمات و... بود که در عین حال به نحو معینی به بخش غالب هیئت حاکمه پیشین یعنی بورژوازی کمپرادور بوروکراتیک که از نظر اقتصادی و چه سیاسی پیوند خورده بودند. بورژوازی کمپرادور غیر بوروکرات، علیرغم غربتی که از سوی انقلاب دریا کرده است، در قدرت سیاسی جدید نیز سهم شده و امکان یافته است در زمینه اقتصادی تا حدود زیادی قدرت خود را حفظ کند که علت آنهم، با توجه به هیئت و ترکیب طبقاتی قدرت دولتی جدید و گرایش عمومی و غالب سیاستهای دولت در زمینه حفظ و ترمیم ساخت اقتصادی - اجتماعی گذشته (همراه با اصلاحات و تعدیلات سطحی)، کا مل روشن و قابل توضیح است. و همین امکان حضور اقتصادی، متقابلاً خود پایه قدرت سیاسی و ترمیم سیاسی این بخش از بورژوازی کمپرادور را در ماشین دولتی تشکیل میدهد و از این رو می تواند چشم انداز مساعدی را برای بقا و رشد آتی آن ترسیم نماید.

۳- بورژوازی متوسط غیر وابسته (لیبرال)

این بخش از بورژوازی که در گذشته تحت فشار سرمایه های امپریالیستی و وابسته قرار داشت و تقریباً امکان رشد و توسعه سرمایه اش از او سلب شده بود پس از تحول سیاسی اخیر، چنانچه دولت بورژوازی حاکم نتواند بر جهان سیاسی - اقتصادی موجود غلبه کند (۱)، چشم - انداز روشنی را برای رشد خود می بیند، که بطور عمده در چهارچوب رشد آزاد سرمایه، بلکه در چهارچوب وابستگی

خلق کرد میرزمد ، دولت موقت تو طئه میکند

بدون و دور از منزل و مسکن برای آنان در بر دارد ، از آنجا که ماهیت چنین ارتشی را در حرکت های قبلیش در نقاط مختلف ایران و سرکوب خواهان و برادران خود را در این مناطق دیده اند ، چنین زندگی ای را بر سر ماندن در شهری که تحت اشغال ارتش باشد ترجیح داده اند .

اما ماهیت این ارتش چیست که توده های مردم میروان در مقابل آن دست به این چنین حرکت اعتراضی مشکلی زده اند و اشغال کردستان بوسیله این ارتش چه عواقبی دارد ؟

در اینجا اعلامیه پس از اشکالی مختصری نسبت به ماهیت ارتش ، به نقش حزب دموکرات کردستان میپردازد ، اعلامیه میگوید :

اما در این میان حزب دموکرات کردستان چه موضعی گرفته است ؟ حزب دموکرات دستان به اسلحه و چشویه دست دولت است و مترصد اینست که خلق کرد و جنبش انقلابی آنرا به قیمت مناسبی به دولت بفروشد . چرا که دولت موقت بهای مورد نظر را به این حزب بپردازد ، حزب دموکرات توده ها را تسلیم دولت نموده ، در مقابلش توطئه اشغال میآید به وسیله ارتش سکوت کرده و با

دفعات و مردم شمشیده آنجا می اندازد ، باز هم روز بعد خبر از پیشروی ارتش جمهوری اسلامی به سمت میآید با هدف اشغال نظامی آنجا میرسد و امروز ... امروز ارتش ضد خلقی با تهدید شورا و مردم شهر میروان مبتنی بر تقویت نیروهای با دگان آنجا و کنترل شهر وسیله نظامیان ، مردم زحمتکش و رنج دیده میروان را وادار به تسلیم میگرداند و راه رخن در کوه ها و جنگل ها نموده است ، مردم مبارز کردستان ! هوشان مبارز !

دولت ضد انقلابی امروز دارد یکی از حلقه های زنجیر توطئه های خود را در میروان پیاده میکند ، پس از اینکه توطئه با سارازای اثر در این شهر با جواب دندان شکن و قاطعانه توده های شهر و دهقان مبارز اتحادیه دهقان میروان در هم شکست ، به فکر تقویت با دگان مستقر در این شهر افتاده است . اخباری مبتنی بر حمله با دگان به شهر پس از تقویت آن به گوش می رسد ، به همین دلیل مردم متحد و مبارز شهر را به عنوان یک حرکت افشاگرانه و در ضمن اعتراضی ، ترک گفته و به منطقه ای بین " برده رشت " و " کانی میران " پناه برده اند و هم اکنون شهر از سکنه خالی است . این مردم رنج دیده علیرغم تمام مغایراتی که زندگی خانه -

اعلامیه ای که توسط کمیته کردستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ، تحت عنوان " خلق کرد می - رزمد ، دولت موقت توطئه میکند " ، چنین آغاز میشود : موادی که این روزها بی در پی در کردستان اتفاق می افتد خبر از توطئه ها می دهد که از طرف امپریا - لیم و ارتجاع داخلی وابسته به آن بر علیه خلق قهرمان کرد در شرف تکوین است . در حقیقت این آتش - افروزی ها به همراه تحریکات مداوم رادیو تلویزیون پیش درآمد و مقدمات این توطئه را تشکیل میدهد . یک روز فرید رئیس ستاد و فکارت ارتش دست به توطئه آمیز به کردستان میزند و در طی این مفرقول همکاری و پشتیبانی به دارنده توطئه ده موقت این مزدوران امپریا لیم آمریکا می دهد مشروط به اینکه این دارنده توطئه به اصطلاح امنیت را در منطقه کردستان به نفع دولت " انقلابی " !! برقرار نماید . روز دیگر ملاحظاتی مرتجع رئیس کمیته اسلامی ارومیه با مسلح کردن فئودالهای مرتجع پیرانشهر و آشنویه فرمان غارت روستا شیان و توده های کرد را به آنان میدهد . روز بعد ارتجاع با متحد کردن عناصر قبیله موقت با راهی از عناصر لومین و شوروی محلی و مسلح کردن آنها سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میروان سرهم بندی کرده و به جان

نقدی بر " طرح خود مختاری کردستان " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان



جمعیتهای کردستان

از " اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه ... مقامات مرتجع ضد خلقی کشته های استان در ارومیه ... در جریان جنگ تحمیلی نکرده " (ص ۹) اعلام داشته و رهاخته بدین نتیجه می رسد که " همه این تحولات و تجربیات سه مسئله را برای خلق کرد مطرح می کند :

- ۱ - اصرار در پیوند بازاری هر چه محکمتر زحمتکشان کرد و زحمتکشان سراسر ایران جهت جبهه واحد ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی با شرکت همه نیروهای آزادیخواه و ملی و دمکرات در سراسر ایران .
- ۲ - اصرار در ایجاد حکومت خود مختار کردستان .
- ۳ - بدون یک مبارزه مداوم داخلی و ترقیخواهانه و ضد ارتجاعی در کردستان و بدون مشارکت فعال توده های زحمتکش مردم کرد جنبه ناسیونالیستی رفع ستم ملی از محتوای دمکراتیک محروم خواهد ماند " (ص ۱۰) که راه حل ملی و ملی این سه مسئله را در ارائه یک " طرح پیشنهادی خود - مختاری " (ص ۱۱) که در رابطه با " تکامل و رشد مبارزات انقلابی و آزادخواهانه خلق کرد و دیگر خلقهای ایران مقدور و ممکن می باشد " می داند و " امیدوار است که با همکاری و مشارکت همه نیروهای آزادیخواه و دمکراتیک خلق کرد و سایر خلقهای ایران بتواند در راه تحقق آن مبارزه کند و آرزویش را برساند و با توجه به " باید " های که پشت سر میآید و همچنین بر می آید که این سیستم حکومتی فعلی است که در نهایت امر چنین طرحی را قبول کرده و عملی خواهد ساخت .

تا اینجا آنچیزی بود که ما از پیشگفتار جزوه نقل کردیم اینک بهینم دوستان کرد ما تا چه اندازه " مطلب مورد ادعا " را بر آورده ساخته اند .

شناخت درد

تنها نصف مسئله را حل میکند

بررسی پیشگفتار جزوه ما را با این واقعیت روبرو می سازد که " نویسندگان طرح " در برخورد با مسائل و معضلات کردستان در درک شناخته اند . - یعنی در بسیاری جاها این را نشان داده اند که در کردستان چه می گذرد ، چه چیرانانی در رجال شکل گرفته است چه کسانی و چه نیروهایی از خواستهای ملی خلق کرد سو استفاده کرده و اهداف و آرمانهای ارتجاعی خود را در پوشش آن دنبال می کنند . ارتباط این نیروها با هم و با سیستم حکومتی فعلی و عملکرد های آن در کردستان چیست . خواستها و نیازهای واقعی خلق کرد چه بوده و پاسخ به این خواستها و رفع نیازها چگونه باید باشد و طرحی که شورای هماهنگی پیشنهاد کرده با توجه به محتوا و اصولی که در خود دارد ، نمونه کامل و جامعی است که در رابطه با نیازهای این مرحله از مبارزات خلق

شورای هماهنگی جمعیت های کردستان با انتشار جزوه ای ، اقدام به ارائه طرح خود مختاری از " دیدگاه " خود در سطح جنبش نموده است و آنطور که در جزوه آمده این طرح حاصل یک " تحلیل علمی از اوضاع کلی ایران و با در نظر گرفتن شرایط عینی و ذهنی جامعه کردستان و با توجه به ترکیب طبقاتی و توازن و تضاد نیروهای موجود در این سرزمین و با الهام از آرزوها و اهداف و مبارزات و حقوق تاریخی خلق کرد " (ص ۲۳) می باشد .

با در بررسی این طرح نشان خواهیم داد که دوستان نویسنده این جزوه تا چه حد توانسته اند این ادعا را در عمل نشان دهند .

نگاهی به طرح

پیشگفتار جزوه که در واقع چرایی و چگونگی تدوین طرح را توضیح میدهد ، طعنه های انحرافات و کاستی هایی که دارد و ما در قسمتهای بعدی این نوشته بدان برخورد خواهیم کرد ، ما را با شرایط ویژه ایران یعنی تنوع ملل ساکن در آن ، شرایط زندگی خلق کرد ، ستم و استبداد و توطئه های ضد خلقی که در شرف بروز آمده و در این رابطه " وقفه و رکود ... تکامل اقتصادی جامعه کردستان " ، مبارزات خلق کرد برای رهایی از این وضعیت ، شکست های متوالی و طغیان آشنا ساخته ، نتیجه می گیرد که " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان مبارزه در راه رفع ستم ملی را جدا از مبارزه در راه برقراری عدالت اجتماعی و استقرار دگرایی واقعی در سراسر ایران نمی دانند . مبارزه با غاصبین حقوق ملی نمی تواند جدا از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی کردستان باشد " (ص ۶) سپس در بررسی اوضاع و شرایط کنونی کردستان بر زمینه گذشته آن ، چنین عنوان میکند که " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان با نگرانی شاهد احیای عوامل و عناصر ارتجاعی هستند که زیر پوشش مسئله ملی و دست آویز قراردادن آن می - خواهند پایگاههای ضد مردمی خود را در منطقه حفظ کنند . نمونه بارز آن اتحادیه مالکین و فئودالها است " (ص ۶)

نقد ارتجاعی " فئاده موقت " را که با " همکاری فئودالهای مرتجع منطقه در سراسر کردستان بر علیه توده های زحمتکش و نیروهای ترقی کرد مبارزه می کنند " (ص ۸) نشان داده و باز گو می کند که اینها " روز بروز بیشتر مورد حمایت دستگاههای دولتی و ارتش و کمیته های منسوب به انقلاب اسلامی قرار می گیرند تا جایی که هم اکنون با علم و اطلاع و موافقت مقامات مذکور عللا در خاک کردستان ایران پایگاه ایجاد کرده اند " (ص ۸)

" نگرانی " خود را از اینکه " مقامات مرکزی برجناپا ت و وزیرانکری های ارتش ضد مردمی با دگان سندنج سربوش گذاشته و در وسایل ارتباط جمعی کنترل شده مبارزین و انقلابیون کرد را ضد انقلابی خوانده اند " (ص ۸)

های ایران یعنی مرحله دمکراتیک و ضد امپریالیستی کاملاً جوابگو بوده و با عنوان " ریشه کن ساختن بقایای فئودالیسم " در ماده ۶ " حفظ نفوذ مملکت " ، ماده ۷ " داری " سیاست خارجی " و تهیه و تنظیم و اجرای سیاست عمومی اقتصادی و برنامه ریزی دراز مدت مملکت " توسط دولت مرکزی در مواد ۱۲ - ۱۴ - ۱۵ " در باره بررسی نیروهای ارتجاعی و تجزیه طلب بسته است . یعنی نویسندگان جزوه توانسته اند تا حدود نسبتاً زیادی به داروی موثر بر درد نیز دست یابند . این دید از کجا حاصل شده است ؟ بطور ما در دستانی که در جمعیت های شهرهای مختلف کردستان برای محو ستم ملی مبارزه می کنند ، از یک طرف ، صادق تر بین و مبارزترین افراد انقلابی کردستان بودند و با تمام وجود خویش در جهت تأمین منافع توده های زحمتکش کرد میگوشتند و ایمان در مبارزه و زندگی روزمره سیاسی شان با فقر و محرومیت توده ها ، عقب ماندگی موحش اقتصادی کردستان ، سطح پایین آگاهی سیاسی و فرهنگی خلق کرد ، ظلم و ستم فئودالها بر چرخه در حق دهقانان رومی دارند ، ستم و استثمار مضاعف ملی که در خلق کرد وارد می شود و .. آشنا شده و در این میان بارها بارها با اقدامات ارتجاعی ، تجزیه طلبانه و واپس گرانه فئودالها ، قیام و موت و حزب دمکرات و همچنین همکاری و تأکید دولت در حال این نیروهای مرتجع برخورد کرده و بی به ماهیت واقعی اهداف و اداهای آنها برده اند و از طرف دیگر در بررسی شرایط عینی و ترکیب طبقاتی جامعه کردستان از شیوه علمی بهره گرفته اند . اما آنطور که معروف است شناخت درد فقط نصف مسئله را حل می کند و حل نصف دیگر و به پایان رسا - ندن مسئله و گرفتن نتیجه علمی از اقدامات خود به عهده انکشاف و مشخص ساختن شرایط و اوضاعی است که تحت آن داروی موثر بر درد می تواند واقع شود . شناخت درد تنها وقتی می تواند ارزش واقعی داشته باشد که توأم با قمت دوم باشد یعنی بتواند واقعیت را تغییر دهد ، عمل وجودی در در بر طرف سازد و برنامه ما را عملی کند ، شناخت درد بدون درک و سپس

گزارشی از تحصن زنان کشاورز روستای حصارک خروان

چرا کمیته و دولت که خود را نمایندگان خلق می دانند، از صمد تقوی ظالم حمایت می کنند؟

می سوزد. در فاصله رسیدن امداد از شهر و آمدن پاسداران حتی از تهران برای حفاظت ایستگاه "کهن دژ" که سرپرستی پاسداران را جوانی بنام "فتح الله قهرمانی" بهیچ دانت، دود به آسمان بلند می شود.

در آتش سوزی ایستگاه کماکان می افتد خانه ها و مزارع های زیر طعمه حریق می شوند: ۱- منزل "صمد تقوی" و مرقداری متعلق به وی. ۲- منزل "احمد تقوی" ۳- منزل و مزارع و شرکت تعاونی "حاجی اسمعیل فتحی" ۴- منزل "محمد عبد الهی" ۵- منزل "حسین عبد الهی". توضیح اینکه چون در منزل "حسین عبد الهی" یک ستاجر ایرانی سکونت داشت به کشتن شیشه وارد می شود. ۶- منزل "صفت دهقانی" که به کشتن شیشه اکتفا می شود. ۷- منزل صمد تقوی یک ماشین کبوتری در کنار منزل بود در آتش می سوزد. اظهارات طرفین حادثه بدین شرح است: اظهارات "محمد عظیمی" پدر دست داشتن گان های پزین با هست این آتش سوزی شد. اظهارات دهقانان چنین گواهی می داد که "صمد تقوی" و "علی شیرمحمدی" و "نعل الله" و "صمد تقوی" و "حاجی اسمعیل فتحی" باعث تیراندازی و آتش سوزی شدند. دهقانان اظهار می داشتند که این عده قبلا خانه های خود را خالی کرده بودند و خودشان خانه ها را آتش زدند. ماهربین گفته حدود ۸ نفر را دستگیر کردند که چن آنها از عوامل صمد هستند. دستگیرشدگان در حال حاضر بد سره ای که متعلق به تنگابنی وکیل معروف بوده و اکنون در اختیار پاسداران می باشد، نگهداری می شود. در متعاقب دستگیری کشاورزان روزگشیه صبح گروهی آژن پیچه که درحدود ۱۰۰ تن می شد در جهت تلگرام به دفتریات اله خمینی و تحصن در اداره پست و تلگراف قزوین بانجاس روند و از گروه های عیاز و مردم بارز قزوین دعوت می کنند که به آنان به پیوندند. دپ اعطیه ای که در مراحل نصب شده نوشته است: بازماند قریه حصار خروان که در اداره مخابرات قزوین تحصن هستند و در محل تحصن مورد حمله پاسداران قرار گرفتیم برای احقاق حقوق خود احتیاج به پشتیبانی اهالی قزوین داریم خواسته های آنان خارج زیر است:

- ۱- آزادی زندانیان کشاورز
- ۲- رسیدگی فوری به جنایات کشتن روستای
- ۳- مجازات "صمد تقوی" و چاق به دستان او که تبدیل به تنگ بدستان شده اند.
- ۴- دستگیری و مجازات عاملین قتل جوان شهید "علی اصغر مانی" و شش مجروح دیگر
- ۵- مدت چهار ماه است که این درگیری ادامه دارد و هیئت علمیه هنوز رسیدگی نکرده است
- ۶- چراکشی که اسلحه آژن کشف شده است آزاد هستند شکایت به تهران می برند؟
- ۷- رسیدگی به وضع مجروحین حادثه
- ۸- محکوم کردن آتش سوزی خرمن ها و منازل سکونی و خواستار منع کس درن واقع حادثه در مطبوعات
- ۹- تارسیدگی به حادثه تحصن ادا ممدارد و بهیچ وجه شکسته نمی شود.

روی کار آمدن دولت جدید، آنها خواستار تیرتپهای ضبط شده به وسیله صمد تقوی و مالتش بودند. بد نال شکایت آنها صمد دستگیر می شود و به علت روابط حش اش با روحانیت قزوین (تعزیه خوانی و دادن غذا در روز عاشورا) و به دادن وثیقه و روابط با روحانیت غلبه میکند و صمد آزاد می گردد. به نال آزادی صمد، روستائیان که می بینند خواسته شان توسط کمیته قزوین برآورده نشد اعتراض می کنند و بدین ترتیب صمد دوباره دستگیر می شود. و دوباره با وثیقه آزاد می شود که باعث اعتراض روستائیان به برخورد آنها با عوامل صمد و کشته شدن یکی از عوامل صمد در فروردین ۸۸ می گردد. برای بار سوم حاج صمد تقوی دستگیر می گردد و این بار تیرتپ بعضی از عناصر کمیته (این عده با آگاهی به روابط حسن صمد با روحانیت قزوین از تیرتپ نشدن او شوک و روستائیان) او را به تهران منتقل کردند.

در حادثه فروردین ماه که منجر به درگیری روستائیان با طرفداران حاج صمد شد، طرفداران صمد تعهد کتبی دادند که در روزهای صمد تقوی را می گیرند. دهقانان کاشته شده بود با نظارت هیئت علمیه قزوین جمع آوری و مطابق قانون شرع اسلام بین روستائیان و صمد تقسیم نمایند. ولی در روز پنج شنبه ۸/۷/۵۸ در صمد تقوی بهیچ عده ای بنام های "احمد" و "صمد" و "حاجی اسمعیل فتحی"، "شیرمحمدی" و "حسن عبد الهی" و "غلام امام وردی" و چند نفر دیگر که با آنها تیرتپ می شد اقدام به در زمین های اطراف ایستگاه "کهن دژ" با کما می کنند. از طرف دیگر کشاورزان جهت جلوگیری از در زمین ها با دین و دیگر کنگد و جهد سستی در صمد رو کشت می آیند. در ۲۰ تری زمین از طرف خودشان در سه نفری راه عنوان نمایند به طرف کسان صمد تقوی که در حال در زمین بودند میفرستند. ضمن صحبت نمایندگان گروهی از نفرات طرفین بنای فحاشی با هم را می گذارند. در همین صندای اسلحه گرام از طرف گروه صمد به ناصح میزد و از نفرات جابو ف کشاورزان جوانی بنام علی اصغر مانی کارگر شیرمحمدی قزوین زمین می ماند. صا شلیک گلوله های دیگری را پنج نفر دیگر میماند. "صمد احمد موسوی" از ناحیه در سینه جراحت می برد و "عباس عباسی" از ناحیه دست چپ و "علی اکبر شیرمحمدی" از ناحیه شانه چپ و "محمد قهرمانی" از ناحیه پای راست مورد اصابت گلوله قرار گرفته همین می افتند و جمعیت متفرق می شود. در همین متفرق شدن ماشین "پایز" متعلق به صمد تقوی که در کنار کانال آب واقع در جنب ایستگاه کهن دژ بود به آتش کشیده می شود (بطوریکه شایع است توسط کشاورزان به قول کشاورزان از طرف ایادی صمد) درین شعله رو شدن ماشین دانه آتش به باقی مانده "خمرمنسی" که گندم هایش توسط حمال صمد برده شده و فقط ساقه هایش مانده بود میسوزد و غلظت دود در سرتاسر می ماند و آتش نشانی و سبوت آتش درحدود ۳ هکتار زمین که د و هکتار آن قبل از رو شده و یک هکتار آن درون شده و بسود

زنان کشاورز روستای حصارک خروان واقع در ۱۵ کیلومتری قزوین، بنابه نوشته روزنامه "آیندگان از یکشنبه دهم و بنابه گفته زنان تحصن از روز پنج شنبه هفتم تیرماه در ادا و مخابرات دست به تحصن زدند.

حدود ۹ نفر از روستائیان در محکم حصارک در زندان کمیته قزوین در اسارت میسر برند و زنهای خانه خود را در ده رها کرده و به شهر آمده اند. غذای آنها نان پنیر و نان هندوانه می باشد نه زندان از نان یک پتی نازک و قلیب هایشان برآورد و در نگران خانه زمینی که در ده رها شده. وقتی از آنها می پرسد، نگران خانه زندگانی نیستی می کنند و وقتی همرسان مادران هستند، دیگر خانه و زندگی چه اهمیتی برای مادر عده ای از جوانهای روستا می که در کنار مادران و خواهران خود تحصن اختیار کرده اند (آنها با صدامت و موقبله در روستا نبودند) میگویند اگر به روستا برگردیم عالمان "صمد تقوی" را دستگیر می کنند و امکان ضرب و کشتن را دارند.

مالک عده این روستا "حاج صمد تقوی" می باشد بگفته اهالی حاج صمد بخاطر زنده های که با دسار رژیم مغرور وابسته به امپریالیسم شاه داشت اصلاحات ارضی شامل حال اراضی او نشد. او توسط بعضی از دیاریان مثل "صمدی" پشتیبانی می شد.

"حاج صمد تقوی" یک ارتش مسلح هم برای خودش درست کرده است و بوقل اهالی برای خودش دولت و دم و دستگاهی دارد. قصر او در روستا ۳ میلیون تومان می ارز و یک استخر شای بزرگ دارد. چندین شخته قالیهای ابریشمی گران قیمت در اطرافهای خانه اش وجود دارد. غیر از او چندین زمین دارد دیگر هم در ده هستند که در جریان درگیری اخیر اسلحه اختلا توسط آنها تپان شده بود.

حاج صمد با شرکتی برای زراعت و معادن روستایی هم رابطه داشت و تراکتور و یک روفره را به انحصار خود در آورده بود. همین دلیل روستائیان کاملاً به او وابسته هستند درحدود بیست سال پیش حاج صمد تقوی به عنوان اجاره دار به حصار خروان می رود. به مرزبان در آن جا رشد میکند. روستائیان این ده که اکثر آنرا مالکند و قبل از اصلاحات ارضی دارای زمین بودند. در دوران اصلاحات ارضی از تیرتپ تقسیم اراضی، زمین های خود را در تصرف روستایی کشتزار و تپان به تیرتپ میسوزد و ساج صمد با استفاده از این ساله پاکت سرد قتر شمره ۳ قزوین بنام شیخ محسن کریمی و اعمال نفوذ داد و کلاهی ۱۱۰ استفاده از نیرو و کراسی طبقه حاکم ازال. و تا ۷ هکتار زمین از زمین های روستا - ثانی را تصرف خود در می آورد و اکنون مالکیت خود را را نشان حدود ۱۰۰ هکتار راست و مالکیت بقیه روستائیان که حدود ۱۰۰ خانوارند خیلی کشتزار و کشت حاج صمد است. کلیه زمین های مرغوب کشتزاره های انحصار و راه آهن و شیشه قزوین - تهران متعلق به حاج صمد است.

صمد در دوران شاه سابق ظلم و تعدی بسیاری به روستائیان روا داشته و مرتکب قتل شده. روستائیان این منطقه با آگاهی از منابع طبقاتی خود و سستی که از طرف صمد و مالتش به این ها حاصل شده بسود فعالانه در جنبش ضد یکاری و ضد امپریالیستی شرکت داشتند (خضر در تظاهرات آژن آن وقت برای مردم شهر قزوین در محله ارتش به شهر) بعد از پیروزی قیام بهمن ماه و متعلق به حاج صمد است.

انحصار طلبی در کمیته پاکسازی دانشگاه ارومیه محکوم است

نمایشیم. از این به بعد مسئولیت کلیه تصمیماتی که توسط کمیته صورت میگیرد بهیچ دانشجوی و معتمدیم عامل عده این ناراضیها و اشکالات، خود خواهیها و انحصار طلبی های کسان است که در کمیته پاکسازی اعمال نفوذ می نمایند.

در پایان، بعد از ذکر اینکه بخاطر انحصار طلبی موجود در کمیته پاکسازی دانشگاه از حرکت در جسات خورا خوداری می شود، ملل این دم حرکت را اینطور بازگو می کنند:

۱- در دسترس گذاشتن پرونده های متهمان به همکاری با ساواک متعلق و افرادی که در مبارزات دانشجویی مغایر با جهت حرکت انقلابی دانشجویان و بر غن منافع مردم شده اند ما عمل میگردند.

۲- رعایت نکردن ابتدائی ترین اصول دموکراسی و انحصار طلبی (به نظر ما خورا از تعدد معینی افراد و منافع مختلف دارای حقوق مساوی و صاحب یک رای نه بیشتر و نه بیشتر هستیم، و در کلیه مسائلی که در حوزه

اعلامیه ای تحت عنوان فوق از طرف نمایندگان گروه های دانشجویان بهیچام، مبارز و جمعیت دفاع از آزادی خلق کرد (با امضای آقایان رسول شوکتی - علی عرب لاریجانی - حمید مطلق زاده) انتشار یافته و برای پیکار هم بعنوان یکی از تیرتپات تحویل گیرنده ارسال شده که چنین آغاز می شود:

یکی از دستاوردهای قیام خونین قهرمانان خلق ما در بهمن ماه تشکیل خورا های موقت و کمیته های پاک سازی در دانشگاهها جهت اداره امور دانشگاه و تنظیم عمار مزدور بود. در دانشگاه ارومیه نیز کمیته ای تشکیل گردید. ما بدلیل مسئولیتی که بعنوان نمایندگان گان جمعی از دانشجویان در کمیته پاکسازی و شوروی موقت دانشگاه داریم و نیز بدلیل اهمیتی که برای مسئله پاکسازی در دانشگاه قائلیم، و از آنجا که بهیچ با رها در جلسات و خارج از آن مصیبتی زیادی در جهت رفع ناراضیها و ناراضی ها نمودیم ولی متأسفانه کوچکترین توجهی به آن نشده است. لذا این کمیته - را تحریم و عدم شرکت خود را در جلسات اعلام می -

اختیارات خورا است تصمیم گرفته تا بهیچ ارگانهای اجرائی به مورد اجرا گذاشته شود، تشکیل شده است اما متأسفانه در موارد زیادی چنین اصولی که ساء - خرین میانی دموکراسی میباشد رعایت نشده است. از جمله حرکت ندان نمایندگان دانشجویان در امور بررسی پرونده های دانشگاه و حید و میل ها و رسد دادن بودجه دانشگاه.

از طرف نمایندگان گروه های دانشجویان بهیچام، مبارز و جمعیت دفاع از آزادی خلق کرد:

رسول شوکتی - علی عرب لاریجانی - حمید مطلق زاده

رونوشت:

- ۱- روزنامه های با ممد - آینه دگان -
- اطلاعات - بهیچام امروز -
- ندای آزادی - امت -
- پیام خلق - گار و -
- پیکار -
- ۲- شورای موقت دانشگاه ارومیه
- ۳- کمیته پاکسازی دانشگاه ارومیه

سخنی با هواداران: پیرامون وظایف ما در قبال انتخابات مجلس خبرگان



رفیق
مرتضی
آلادپوش

همچنین بدلیل همین وحشت و هراس آنها از آگاهی توده ها و نیز تثبیت هرچه زودتر پایه های قدرت خود از طریق "تصویب" قانون اساسی گداز است که خدعه "مجلس خبرگان" را به جای "مجلس موسان" بکار بستند، تا از این طریق تا حد امکان از عملکرد افشاگرانه نیروهای مترقی و انقلابی جلوگیری نمایند.

اما ما و دیگر نیروهای انقلابی و مـ ل که پیوسته هدفمان افشای دشمنان خلفای زحمتکش و درآسان طبقه کارگر بوده است، از هر فرمتی برای آگاه نمودن توده ها استفاده نموده و می نمایم. و در این راه و برای نقش برآوردن نقشه های دشمنان انقلاب سازشکاران و انحصارطلبان رتنام نیروی خود را بکار می گیریم.

رفقا! هم اکنون که شام اجتماعات خلقی محکوم اند و مورد تهاجم قرار میگیرند، شوراها را کارگری تهدید به انحلال می شوند، سران انقلابی و حق طلب "فدائیان" "خوانده" میشوند و اکنون که دستاوردهای انقلاب در پیش چشم توده های خلق، یک به یک به بنامایرود وظیفه ماست که بطور پیگیر دست به افشای وسیع سیاستهای ضد انقلابی دولت بزنیم. اما در حال حاضر، از آنجا که توده ها علیرغم ماهیت ضد انقلابی دولت، خواهشهای خود را از او طلب می کنند و به "مجلس خبرگان" چشم دوخته اند، ما با شرکت در انتخابات این "مجلس" می گوئیم تا زمینه مساعدی برای افسوس افشای فراهم سازیم.

در چنین شرایطی، این وظیفه ماست که نیروهای خوش را در چنین جبهی بسیج نموده و سازمان دهیم و به تبلیغ و ترویج وسیع از هر طریق و با هر امکان در میان توده های خلق بپردازیم.

شکی نیست که این وظیفه همیشه ما طرفداران آزادی طبقه کارگر می باشد، اما در شرایط کنونی که انتخابات "مجلس خبرگان" در مرکز توجه توده ها قرار گرفته، این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است و بیش از هر زمان دیگر کوشش و فعالیت سازمان یافته و مسئولانه را طلب میکند. وظایف عملی نیروهای مـ ل و هواداران آن-ها در این مرحله عبارتند از:

- پختن وسیع تارکات، اعلامیه ها، پوسترها و ... در کلیه نقاط شهر و روستا
- ابراد سخنرانی در محل کار و سکونت
- شرکت فعال در مجامع توده ای، و بحث و گفتگو با مردم پیرامون اهداف فوق الذکر
- حرکت متشکل (بعورت هشتای چند نفره)، در شهر و مناطق توده ای و محل تجمعات کارگری و ... برای پختن اعلامیه ها، و تراکتها و بحث و گفتگو با کارگران و توده های زحمتکش
- ابراد سخنرانی در محلات و مناطق کارگری و توده ای، از طریق تشکیل میتینگهای موفقی
- شرکت در سخنرانی های دیگران و افشای مواضع نیرو-های حاکم و بازگو کردن اهداف نیروهای مـ ل و انقلابی
- تبلیغ کاندیدها و بخصوص تبلیغ اهداف ما از شرکت در "مجلس خبرگان" بطریق گوناگون و متعجّل نوشتن شعار بر دیوارها و ... در اماکن عمومی
- تحت فشار قرار دادن دستگاه های رادیو و تلویزیون و روزنامه های وابسته به قدرت حاکم، در جهت آوازدن آنها به ایجاد امکانات بیشتر تبلیغی برای نیروهای انقلابی و مـ ل
- بدون شک مضمون و محتوای حرکات و فعالیت های تبلیغی و ترویجی فوق را چیزی جز افشای ماهیت نیروهای حاکم، افشای "مجلس خبرگان" و پیش نویس قانون اساسی و توضیح نظرات و اهداف سیاسی ما (بسط دموکراسی، قطع وابستگی به امپریالیسم، شرکت فعال در کارگران و زحمتکشان در تعیین سرنوشت خویش) تشکیل نخواهد داد. امید است که چنین حرکتی بتواند تاثیرات مثبتی در بالا بردن سطح آگاهی توده ها و بخصوص طبقه کارگر، داشته باشد و ما را هرچه بیشتر در رسیدن به اهدافمان از شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" یاری رساند.

رفقا! بحران سیاسی - اقتصادی فعلی حاکم بر جامعه، نشانگر ناتوانی نیروهای است که بنا بر ماهیت طبقاتی شان نمی توانند و نمیخواهند به خواسته های عادلانه و انقلابی توده ها پاسخ دهند و از طرق مختلف به شیوه های گوناگون سعی در مهار نمودن پیشروی انقلاب توده ها می نمایند.

خلفای مبین ما، خود به بازترسین شکلی شاهد پایداری حق عادلانه خویش در شام زمینه ها می باشند و می بینند که رژیم حاکم، بتدریج نیروهای سرکوبگر خود را بازسازی می کند و پیوسته بر حملات و تهاجمات خود بر نیروهای انقلابی و مبارزات فشرده ی پیشرو خلق می افزاید، و با تسلیحات گسترده و مداوم خود می کوشد، تا در ذهن بخش های ناآگاه توده ها، آتار "اخلالگر" و "عد انقلاب" جلوه دهند. حال آنکه این خود آنها هستند که با هواداری افسان و امتیازات امپریالیسم و ارتجاع، در امر پیشرفت مبارزه ضد امپریالیسم و دموکراتیک توده ها "اخلال" میکنند و متقابلاً از پیشروی انقلاب توده ها هراس و واهمه دارند، از این رو هر عاقلی که بتواند هرچه بیشتر موجبات رشد و آگاهی توده ها را فراهم کند، و آنها را در امر تحقق خواسته های برحقشان، ترغیب و تشویق نماید، از نظر آنها "عد انقلاب" محسوب می-شود. و از همینروست که شام وسائل ارتشاط جمعی از رادیو و تلویزیون و برقی مطبوعات گرفته تا سایر امکانات عظیم تبلیغاتی دولتی در انحلال این نیروها قرار گرفته است و جایی برای گفتگو و بحث نیروهای انقلابی باقی نمانده است. و اگر در این چند روز وجود چنین امکاناتی، آتش بطور بسیار محدود را تحمل کرده اند، بخاطر فشار توده ها و اجتناب از رسوایی در پیشگاه آنها است.

"مجلس خبرگان" با اینها چه خواهد کرد؟

ارتش! که تحت رهبری فرماندهان سابق، برپایه های کورکورانه و باورهای غلط و فاسد خلقی بنا بر مذهب و طایفه ای بنا بر نژاد و سبب

علما، با بار بار میگویند

مردمان را علیه ما نیروهای مترقی و آزادیخواه، و دشمنان عاقلانه و بااراده میخواندند

که به علم غربی آشنا و دولتهای استوار و برترمان و بطور خاص و ... (منقول است)

که برای غرض مبارزات می شناسد کارگران را

اندازه نده است

که به مذهب، مکتب و نژاد و ... و مذهب و مکتب و نژاد و ... (منقول است)

اجازه ندهیم ارتش، سازمان امنیت، ژاندارمری و... باز دیگر با بازار سرکوب مردم تبدیل شوند

روزنگاران آزادی خلق کارگر / سازمان آزادی خلق ایران
اتحاد سواره رده آلمان خلق کارگر و سواران آزادی خلق کارگر
پسوسه / سازمان بیکار در راه آزادی خلق کارگر

دلیل هم بود که ایشان طی ماههای قبل از قیام بارها با چراغ سبزشان دادن به شاه علمشان از او می-خواستند که سلطنت کنند. نه حکومت!]

اکنون بازگان نگران بی حرمتی به ارتش است، ارتشی که برعزم ایشان، خلق بجای تکیه بر آن، سرخود بر علیه آن به شورش پرداخت (الیه ایشان فراموش میکنند که اگر چنین نمیشد ایشان هم اکنون در مقامی نبودند که چنین حرفهای بزنند) و هنوز هم به آن حمله میکنند و خواستار دگرگونی آنست!

باری بورژوازی لیبرال خف و نزار و ترسان از توده های دیروز، امروز علنان "قاطمیت و قدرت" است تا توده ها را سرکوب کند. و ملت اخیر نیز با شورای انقلاب کام دیگری است در راه رسیدن به قدرت و قاطمیت. و چنین است که بازگان این پیوند را در تعلق خویش تابش میگویند.

رفیق مرتضی (حسن) آلادپوش یکی از کارگران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر است. زندگی سرشار از مبارزه سرکشان او با رژیم جنایتکار شاه و تجاری که از این رهگذر دست آورده، او را میتوان بک انقلابی مدبّر، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رهاش زحمتکشان در آورده است.

رفیق مرتضی آلادپوش در سال ۱۳۲۴ در بیک خانوادۀ متوسط متولد شد. از سالهای ۳۳-۳۴ و هم-زمان با شیفت ملی شدن نفت در خانواده او یک جو-سای قد سلطنتی حکمفرما بود و در همان خانوادۀ بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنائی یافت. در سالهای ۴۲-۴۳ که در دبیرستان علوی شهران درس میخواند به طور فعال در جریان مبارزات توده ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به بوجی شمارهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از افکار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آنروز بسته بودند بی برد و مطالعات و جستجوی خود را ادامه داد. در سال ۱۳۴۴ در رشته طراحی در دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد و لوسی رفیق بهیچ وجه نمیتوانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان انقلابی درآمد. و پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از فعالترین کادرهای این سازمان به مبارزه خود ادامه داد. دو سال و نیم از فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائیز سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در زندانهای رژیم شاه به ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هرچه بیشتر راههای بنیادی مشکلات جامعه دست-بر-نداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی رهاش بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامیکه رفیق در زندان بود رژیم شاه خاشاک ۴ تن از اعضای خانوادۀ وی را به شهادت رسانید (د و د) برادر و یک خواهر و همسر برادر (پس از ۶/۵ سال زندان در اواخر سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان بیکار پیوست.

ادامه از صفحه اول

تحریف...

به آن جاشی زد، توجه کنید: انقلاب لنین و انقلاب هیتلر!! با لایمب، آقای بازگان بی آنکه ترسیمی به خود راه دهد فاشیسم هیتلری را که میلیونها نفر را بکشت و خون کشاند با انقلاب کارگری روسیه که نقطه عطفی در تاریخ رهاش بشر بود، مؤذیانۀ در کنار هم میکشاد و از ملز بورژوازی خویش بنام بر طمطراق "انقلابات حزبی" را بیرون میکشد. تا بسا یک شیر در نشان بزنند: هم انقلاب کارگری روسیه را به لجن کشاند و هم "ثابت" کند که هر تغییر و تحولی در قدرت دولتی، انقلاب است.

اما انقلاب نوع سوم از نظر ایشان انقلاب ملی ایران است که منافقانه "قاطمیت و قدرت لا زم" را ندارد، البته "قاطمیت و قدرت" دلخواه سرمایه داران، قاطمیتی که با تکیه بر ارتش حاضر و آماده و بوروکراسی دست نخورده و مومن و دعا خیز توده ها، به سرمایه داران اجازه دهد تا دیکتاتوری شان را اعمال کنند. آقای بازگان علت ابله لعل ضعف انقلاب را در خصمه ملی انقلاب مبین و میگویند از آنجا که در این-انقلاب "تقریباً تمام طبقات ملت و مردم شرکت کردند ... و شهید دادند ... و بنا بر این همه منطقی و عاقلانیا سیم و مالک بودند ... توابع توده ها با لا رفعت است و از این رو هر فرد از توده ها "حق دعا" را بخودش داد "بخصوص آنکه" برخلاف انقلابهای دیگر دنیا، انقلاب ایران بر علیه دستگاه دولت و ارتش بوده است؟! در اینکه انقلاب مورد نظر "آقای بازگان همان" "انقلاب" هیتلری و رها خانی باید باشد تکی نیست. درواقع ایشان یک جابجایی سی-سرو-مدا در رأس قدرت دولتی را ترجیح میدهند (بهمین

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

اخبار کارگری

مهندسین و عوامل کارفرما حمله‌ور شوند که از طرف خود کارگران از این عمل معاف می‌شود. به شنبه شب کارگران در کارخانه میمانند و تصمیم میگیرند که روز بعد دست به بک‌آپ پیمایش اعتراضی بزنند.

صبح روز چهارشنبه راه پیمایش کارگران با مغوفی و منتظم و مشتای گره کردن و سینه‌های آکنده از خشم و نفرت بیست میدان با دیود شهر خرم دره آغاز می‌شود. کارگران شعار میدهند:

– حقوق زحمتکشان، در قانون اساسی، منظور باید گردد!
– کار، مسکن، آزادی، شعار زحمتکشان!
– عوامل مزدور کارفرما، از محیط کارخانه، اخراج باید گردند!
– مرگ بر آمریکا، دشمن کارگر!

– ...
سراجم کارگران در میدان با دیود جمع شده و پس از سخنرانی یکی از کارگران، با دستور قطعنامه‌ای به راه پیمایش خود پایان می‌دهند. در قطعنامه کارگران خواستار محاکمه فخیجیو سرپرست پاداران زنجان و هم-چنین اخراج مزدوران از کارخانه می‌شوند و از رهبری اسام غمینی پشتیبانی می‌نمایند. که مورد تأیید همه کارگران واقع می‌شود.

بعد از این راه پیمایش که مهندسین و دیگر عوامل کارفرما از اتحاد و یگانگی و قدرت کارگران به هراس افتاده بودند ضمن ابراز ندامت از اعمال خود کارگری خود به سر کار بازگشتند. کارگران بخوبی دریافته‌اند که هیچ نیروی در مقابل اتحاد و یگانگی آنها شتاب مقاومت نخواهد داشت.

مستحکم باد اتحاد کارگران "پارس مینو"!

در گزارشی که از مبارزات کارگران پارس مینو تهیه شده بود (پیکار شماره ۱۲) دیدیم که چگونه عوامل کارفرما با همکاری کمیته زنجان بر علیه نمایندگان مبارز کارگران وارد عمل شدند و چگونه اعتراض کارگران را با گلوله جواب گفتند. و سرانجام دیدیم که کارخانه از تاریخ ۲۱ / ۲ / ۵۸ به مدت ۱۰ روز به عنوان تعطیلات تابستانی تعطیل شد. اما بعد از تعطیلات:

روز دوشنبه ۵۸/۵/۱ کارگران سر کار خود باز-گشتند. لکن عوامل کارفرما که نمایندگان میسارز کارگران را چون غاری در چشم خود میدیدند و از توطئه‌های قبلی خود نیز سودی نبرده بودند، همچنان بر علیه کارگران و نمایندگان آنها توطئه چینی میکردند. روز دوشنبه با حضور نماینده‌ای از وزارت کار بین عوامل کارفرما و نمایندگان توافقی می‌شود که کارخانه (به ازای هر ۵۰ نفر یک نماینده) تشکیل شده و عوامل مزدور تعطیل شوند. صبح روز سه‌شنبه کلیه کارگران سر کار حاضر می‌شوند.

لکن تنها اقلیتی از مهندسین و دیگر عوامل مدیریت، پس از روبرو شدن با مقاومت متحده کارگران با لاجبار مشغول بکار میشوند. و اکثریتشان گماکان از کار کردن خودداری میکنند و توطئه همچنان ادامه می‌یابد: در حدود ساعت ۳ بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۵۸/۵/۱ تریبی یکی از نمایندگان کارگران هنگام خروج از خانه سازمانی خود به وسیله اتومبیل یکی از عوامل کارفرما زیر گرفته می‌شود و ساق پایش می‌شکند که اکنون در بیمارستان ملت قزوین بستری است.

چند ساعت بعد یکی از کارگران مبارز بنام جمشیدی توسط یکی دیگر از عوامل مزدور کارفرما بنام علیرضا روحی در خانه سازمانی خود مجروح می‌گردد که به بیمارستان ابهر منتقل می‌شود. کارگران کارخانه پس از این توطئه‌ها چنان خشمگین میشوند که میخواهند با سنگ و چوبه خانه‌های

دیروز "ضد انقلابی"، امروز هم "ضد انقلابی"

دایوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی در اجتماع کارگران کشتارگاه (در تاریخ جمعه ۵۸/۵/۵) ضمن سخنرانی خود چنین میگوید:

"در گذشته همکاری از حقوق صنی و حرفه‌ای و تأمین حداقل معاش-سفن میگفتند زنجان و سیاه چال فرستاده میشد. ...
چه "فراموشکاری" عجیبی!

آقای وزیر کار: نگاهی به ماده ۹۴ قانون! "دادگاه-های فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب!"
بیمندار پس:

"اعمال انسانی که به نحوی از انحاء در امور کارگاهها و کارخانجات کشور خلال و کارگران را تحریک و تحریض به تعطیل کار و کارگاه و کارخانه نمایند، خیریه زدن به مصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور و ازجایم ضد انقلابی است و مرتکب بر حسب درجاست جرم، بر حسب تقصیر دادگاه به کیفر جانی درجه دو، از دو سال تا ۱۰ سال محکوم میشود."

این "دم خروس" بقدری گویاست که نیاز به بحث درباره فریبکاری و نیرنگ بازی آقای وزیر کار نیست. توده‌های زحمتکش کارگران امروز نه تنها برای احقاق حقوق صنی و تأمین معاش خود به مبارزه ای سخت با سرمایه داری حاکم پرداخته‌اند بلکه در درجه اول به خاطر آزادی و استقلال میهن و رهایی همه خلقها از یغی و استبداد به امپریالیسم پیگیرانه مبارزه میکنند.

درباره "ناصر طحان"، کارگری که فدای توطئه کارفرما شد

خوردن رفیق همدرد و همزمر را می‌بیند، خوش بچوش می‌آید و بکشت برادرش می‌برد. مزدوران کبابی به ناصر آقا هم حمله کرده و بشدت او را مجروح میکنند. جراحت وارده کار خوشتر می‌شود ناصر آقا در حالیکه سینه اش مالانمال از شق به کارگر و کینه و نفرت به سرمایه داران بود، بشهادت میرسد. ناصر آقا را قبل از شهادت به بیمارستانهای سجاد (آریا-میر-سابق) و میثاقیه می‌برند، ولی پزشکی در کار نبود، برای کارگرها معمولاً پزشک حاضر نیست. ولی اگر سرمایه دارهای هر پول یک خراش به بدن کنیشتان می‌یافت فوراً چندتا دکتر زبده بالانراش ظاهر میشوند. آخه سرمایه داران پول دارند و در یک جامعه سرمایه داری همه چیز مال پولدارهاست. خلاصه، ناصر آقا شهید شد. بسنگاش به دادگاه سرمایه داران شکایت بردند و آقایان کبابی را متهم کردند. ولی هر چه کوشش کردند آقای میرشجاعی بازپرس، کاری کرد که کبابی‌ها از همه

ناصر آقا کارگر کارخانه کور اوغلی قزوین بود. او هم مثل میلیونها کارگر دیگر در ایران مبعث ناشب جان می‌کند تا یک لقمه نان بخور و نمیر بدست بیاورد. ناصر آقا کرچه هیچوقت نمیتوانست، مثل کارگران دیگر، کشتن را درست و حسابی بیرون کند، به آرزوهای ریز و درشتش جامه عمل نپوشاند، ولی روز با خون و عرق خوشتر سرمایه سرمایه دار زانو عفت اضافه میکرد، تا او مانند سرمایه دار-های دیگر بیشتر از پیش به کارگرها زور بگوید و بر علیه آنان توطئه کند. ولی ناصر آقا با اینکه ظاهراً چیزی را نشان نمیداد، دل پری از سرمایه داران داشت. همچنین از سرمایه داران و کارفرمایانی که کارخانه، کور اوغلی دست آنها بود، یعنی (حمید، جلیل، حاجی) کبابی، بگروز (اسفندماه گذشته)، حاجی کبابی به شهادت از مزدورانش دستور داده بود که یکی از کارگرها را شنبه را شنبه کند. ناصر آقا صحنه کشت

چیز میرا باشد و کسی کاری بکار آنها نداشته باشد. سرانجام هم با قرار دادن ۱۶۰۰۰ ریال مشتری سیرای خانواده، شهید از طریق "اداره بیمه جمهوری اسلامی" برای کارگری که ۲۲۰۰۰ ریال بکارش بود، سر و ته قفسه هم آمد. در دادگاه قرار شد که ماهی هزار تومان هم کارفرما به خانواده او بپردازد. ولی، ای بابا، ناصر آقا زنده بود، سرمایه دار حقش را میخورد، حالا که دیگر شهید شد، اینرا همین چند ماهی که از شهادت ناصر آقا گذشته ثابت کرده که از هزار تومان شعبین شده، خبری نیست.

به نسبت کارگران عزیز، مشتری خانواده ناصر آقا را مقایسه کنند با مشتری ضد انقلابیونی که دشمن بخون مدتها چون ناصر آقا آتش است و بعد از قیام عده ای از آنها مدتها شده اند و بهرینست که تفاوت از کجا تا کجاست، ولی چه میشود کرد. رژیم سرمایه داری است دیگر، و سرمایه داران حکومت میکنند. کارگرها وقتی میخوانند خوشبخت باشند که خوشان حکومت کنند.

سرمایه دار میفرید، یک روحانی آنرا تأیید میکند

بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۴/۱۰ یک جلسه عمومی متشکل از کارگران و کارکنان کارخانه ویتانا جهت انتخاب هیئت مدیره جدید برای شرکت تعاونی و سخنرانی یک روحانی (بنا به گفته مسئولین، نماینده آیت الله خمینی) تشکیل گردید. در این جلسه، ابتدا رئیس شورای عامل کارفرما، موسی نادری، سخنرانی کرد. مضمون سخنان او چنین بود: آنها که میخواهند بین کارگر و سرمایه دار اختلاف بیاورند و برادری اسلامی آنها را بهم بزنند، و آنها که ۱۲ ساعت کار در روز (۲/۵ ساعت اضافه کاری) را گویا غیر انسانی میدانند. آنها که استراحت را بین ۱۲ ساعت کار لازم میدانند و آنها که میگویند با حقوق کم (روزی ۳۰ یا ۳۵ تومان) ... آنها ضد انقلابی و ضد اسلامی هستند. سپس در جلوی چشمان متعجب و بعضاً بی تفاوت کارگران از نماینده آقای خمینی میخواند که مراتب رفاقت کارگران این-

"کارخانه می‌آیند و می‌گویند که ما می‌خواهیم به سرکاران بازگردیم و نامه ای هم از امام داریم، اما کارفرما قبول نمی‌کند. تا آنکه دهفته پیش باز هم ۳۰ نفر از کارگران به کارخانه می‌آیند و ۱۴-۱۳ نفرشان هم قسم می‌شوند که کارفرما و سرپرست کارخانه با اسم "مغاری" و یک نگهبان و چند نفر دیگر را بکشند. اما کارفرما نبود و کارگران سرپرست را می‌گیرند که ما موافق کمیته می‌رسند و گروهانها را از دست کارگران آزاد می‌کنند. البته در آنروز کارگران دوسه نفر از هکگران کارفرما را کتک می‌زنند.

بعد از آنروز کارگران بصورت گروههای ۳۰ نفری به کارخانه می‌آیند و خواستار رفتن به سرکار می‌شوند اما سرپرست نمی‌گذارد و دستور می‌دهد که در ب سالنها را ببندند و هیچکس را راه ندهند. در تاریخ ۵۸/۴/۱۰ کارگران باز هم به کارخانه می‌آیند و شب را مقابل آن می‌نویسند و صبح در ب سالن را می‌شکنند و بدون کارخانه می‌روند و کار میکنند ولی کارفرما می‌گوید که به شما حقوق نمیدهم. ۵۸ نفر از روز یکشنبه شورا تشکیل داده‌اند تا بهتر بتوانند با کارفرما مقابله کنند. ما موافق کمیته هم از دهفته پیش از کارخانه رفته‌اند.

کشنه: ۵۸/۴/۱۷
این کارخانه مبنی بوسهای OM را مونتاژ می‌کنند. کارفرما از حدود یکماه پیش از قیام ۲۱ پهن کارخانه را بطور متناوب تعطیل می‌کرد و علت آنرا کمبود وسایل اولیه ماشین‌آلات می‌کرد.

یک ماه بعد از اعیاد کارفرما که دائم می‌خواست کارخانه را تعطیل کند حدود ۷ نفر از ما موافق کمیته را دم در کارخانه می‌گذارد و از حدود ۱۰۰ کارگر فقط ۲۰ نفر را نگاه می‌دارد و به بقیه بازاری هر سال کار، یکماه حقوق می‌دهد و اخراج شان می‌کند.

کارفرما با اسم مونتنی با یکی از کمیته‌های اسام آشنا بود و علت آنکه کارفرما، کارگران را اخراج می‌کند اینست که می‌خواهد دستگاههای جدیدی وارد کند که به کارگران ماهر احتیاجی نداشته مثلا دستگاه پرس بوسیله کارگران ساده کار می‌کند. که مزد ناچیزی میگیرند در حالیکه بدون ماشین پرس مجبور است از کارگر ماهر استفاده کند که طبیعتاً مزد بیشتری می‌گیرد.

تقریباً سه هفته پیش حدود ۳۰ نفر از کارگران به

قانون اساسی باید حافظ منافع زحمتکشان باشد، نه

برخوردهای "مجاهدین" و اتحادیه دهقانی مریوان

سرخا روز ۵/۵ "مجاهدین" مستقر در مریوان، به سکر پیش مرگها حمله می آورند. هم زمان با این حمله از پادگان نیز با توپ و خمپاره کالیبر ۵۵ به اتحادیه دهقانی حمله میشود. در جریان این حمله بغول آنها ۸ نفر کشته و زخمی ولی به گفته اهالی ۸ نفر کشته شده اند. مهاجمین پس از ۲/۵ ساعت جنگ عقب نشینی کردند.

درد پیر...

ادامه از صفحه اول
نیکارا گوشت پس از یک نبرد قهرمانانه و خونین غلبه بر بربری جبهه آزادی بخش ملی ساندنیت و با بجای گذاشتن بیش از ۴۰۰۰ شهید، به پایان پیروزمندانه خود رسید.

بدین ترتیب خلق قهرمان نیکارا گوشت طومار حکومت ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم سوموزا، این دیکتاتور خون آشام را برای همیشه درهم بشکند و دولت بازسازی ملی را جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب، حفظ و تأمین منافع توده ها و فتح کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا از شئون اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی... میهن خود، بر سنده قدرت نشاند. پیروزی بزرگ خلق نیکارا گوشت متقابلا شکست مفتخانه و دیگر باره امپریالیسم آمریکا و سقوط نوکر حلقه بگوش سوموزای دیکتاتور، مابعدیگر این مارش پسر - عظمت را در فضای جهان طنین افکن ساختگشت: "پیروزی از آن خلقیات و امپریالیسم و کلیه رژیم های ضد خلقی، ارتشائی و دیکتاتوری وابسته بدان در برابر اراده پرتوان خلقها و حرکت تکامل یابنده تاریخ محکوم به شکستند و انقلاب پیروزمند جزا لایس نیست." یک نبرد مسلحانه و توده ای امکان پذیر نیست.

با این پیروزی شگرف، بدون شک سرزمین نیکارا گوشت از این پس مشعل فروزان انقلاب و الهام بخش ایده های رزمجویانه برای خلقهای تحت ستم جهان و به خصوص آمریکای مرکزی درمافشان علیه امپریالیسم جهان خواهد بود. و دیری نخواهد پایید که کینه و خشم بی پایان خلقهای آمریکای مرکزی شعله ورگشته و این منقلبه را به کانون مشعل انقلاب مبدل کند و خرمن امپریالیسم آمریکا و خودکامان وابسته بدان را یک سره نابود سازد.

ما این پیروزی بزرگ بر امپریالیسم آمریکا و رژیم دیکتاتوری سوموزا را به خلق قهرمان نیکارا گوشت و به جبهه آزادی بخش ملی ساندنیت و به دولت بازسازی ملی و نیز به خلقهای قهرمان آمریکای لاتین و کلیه خلق های تحت ستم جهان تبریک میگوئیم و پیروزیهای بیشتری را برای انقلابیون نیکارا گوشت آرزو میکنیم.

سزای خائن به خلق: یک سال تبعید به کیلان!

"برادران کیلانی" از فتوایهای بزرگ منطقه قزوین هستند و "داود کیلانی" در تالش و پشینی و هکاری با رژیم شاه جلا بر دیگر برادران خود پیشی جسته بود. از همین رو مردم بعد از قیام، خواستار اعدام داود شدند. ولی داود از ترس خلق مخفی شد. و بگفته مردم پس از درست کردن کار خود در کیمه و دادگاه انقلاب اسلامی قزوین، توسط یکی از سرمایه داران مرتبط با کیمه امام، خود را به دادگاه معرفی می کند. روابط دوست "داود کیلانی" با کیمه و دادگاه از یک طرف و روابط حسنه خود داود کیلانی با روحانیت قزوین (بخاطر روفه خوانی، اطعام در ماه محرم، دادن خانه به یکی از اعضای هیئت علمیه قزوین بنام "عباس ابوترابی") از طرف دیگر، موجب می شود که روابط جای ضوابط را بگیرد و کسی که مردم و سوره کتار و زان خواستار اعدام او بودند، از روز دوشنبه ۳۰ تیر به کیمال تبعید در استان خوش آب و هوا کیلان محکوم می شود. متعاقباً حکم غیر عادلانه دهقانان تحت ستم "داود کیلانی" در مسجد النبی قزوین متخمس می شوند و خواستار محاکمه علنی فرد مزبور میگردد. او قبلا مخفی "محاکمه" شده بود - و تا کنون هزاران نفر از اهالی قزوین، روستایان متخمس را تاشید کرده اند و دوباره، صد ها نفر علیه کیلانی راه پیمایی نموده اند.

قطعنامه

قراء الک، سید اسماعیل و صارم آباد

در شماره ۹ پیکار گزارش مفصلی را از قریه (الک) به نقل از هسته آراسان زمینکنان آوردیم. در این شماره بخشی از قطعنامه قراء الک سید اسماعیل و صارم آباد را ملاحظه میکنید: زمینکنان مبارز پیروهای رزمند [ما کشاورزان قریه الک و سید اسماعیل و صارم آباد، قطعنامه خود را به این شرح اعلام میداریم: ۱- ما خواهان محاکمه والی خان سندی نظام خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی هستیم. ۲- ما خواهانیم که شمره و درآمد سالهای بعد از اطلاعات ارضی تا به اسما را از والی خان گرفته و به صاحبان اصلی آن یعنی کشاورزان قراء الک و صارم داده شود. ۳- ما خواهانیم که در آبادی ویران شده صارم آباد سید اسماعیل والی خان آنها را ویران کرده است از نو ساخته و به ساکنین آنها که در دهات و شهرها پراکنده و آواره اند پس داده شود. ۴- اگر چنانچه دولت نخواهد بار دیگر این فتوای را به الک بازگرداند بایستی جنازه ۱۷۰۰ نفر مردم الک و سید اسماعیل و صارم آباد را تحویل گورستان داده و با همه آنها را تبعید و زندانی کند. ۵- در صورتیکه دولت خواستهای فوق را در اسرع وقت برآورده سازد ما اهالی روستاهای فوق تصمیم خواهیم نمود. کشاورزان قراء الک، سید اسماعیل و صارم آباد ۵۸ / ۳ / ۲۲

اعتصاب

کارخانه نختاب فیروزان

کارگران کارخانه در روز دوم تیرماه بخاطر گرفتن دستمزدشان که از طرف مدیر عامل کارخانه پرداخت نشده بود، دست به اعتصاب می زنند و با این اعتصاب - ن اخراج مدیر عامل را نیز می خواهند. کارگران شبقت صبح دست از کار کشیده و نماینده شان با مدیر عامل در باره گرفتن مزدشان صحبت می کنند و به نتیجه ای نرسند، مدیر عامل میگوید امروز پول ندارم، فردا می آوریم، کارگران این گفته مدیر عامل را قبول نمی کنند و تظاهرات را در داخل کارخانه برای می اندازند و تا دم در با دادن شعارهایی چون "میرزائی اعدام باید کرد" و "افراد کارخانه بعد از انقلاب تصفیه باید بشوند" به راهپیمایی می پردازند.

مدیر عامل، چون اوضاع را ناجور می بیند از اتاق بیرون آمده و می خواهد سوار ماشین شود که در این موقع، کارگران بطرف ماشین حمله می کنند و می گویند این ماشین مال ماست و از این بعد ما باید سوار بشویم. ولی بالاخره سوار ماشین می شود و در موقع رفتن مدیر عامل، کارگران با صدای بلند، سوت می کشند و همه فکر می کنند که با این عملشان مدیر عامل را اخراج کرده اند در صورتیکه چندین ساعت بعد از آن به کارخانه بر می گردد و قبل از آمدن مدیر عامل افراد کیمه با اطلاع کارگرها به کارخانه می آیند ولی کارگران چون قبلا این افراد کیمه را شناخته بودند و ماهیت اینها برایشان مشخص شده بود، همین طور که در چمن خوابیده بودند و در حیاطها همدیگر صحبت می کردند به افراد کیمه اعتراضی نمی کردند. و تنها نماینده شان (آقای رنجبر) که فردی مذهبی است و همیشه کارشناسی کارگران آگاه می باشد به پیشواز افراد کیمه می رود این نماینده با عده ای از کارگران شبقت صبح و عصر تا ساعت ۴ بعد از ظهر با مدیر عامل و کیمه ای ها مذاکره می کنند و سرانجام درخواستهایشان را بترتیب زیر معین می کنند که مورد تأیید کارگران قرار می گیرد:

- ۱- مدیر عامل در مقابل خواسته های کارگران فردی مسئول باشد.
- ۲- آب آشامیدنی باید از شهر آورده شود اکنون از آب چاه استفاده می کنند.
- ۳- حقوق در روز معینی که کارگران می گویند باید پرداخت شود، یعنی نصف حقوق در روز ۱۵ ماه و نصف حقوق در سی ماه.
- ۴- مقداری پول در کارخانه باشد تا اینکه کارگران هر وقت خواستند، بتوانند از آن استفاده کنند (چون می گفتند هر وقت پول می خواهیم می گویند نداریم). این درخواستی هائی بود که بیشتر بر رویش تکیه می کردند.
- ۵- به کارگران در روز یک شیر باستورین بدهند.
- ۶- به امور بهداشتی کارخانه رسیدگی بکنند.

کارگران پنج روز برای تحقق درخواستهایشان مهلت دادند.

کارخانه را از کارفرما به اطلاع رساندند!! برساند. این سخنرانی در حضور کارفرما صورت گرفت. سخنران بعدی روحانی فوق الذکر بود. کیمه درباره اسلام و اینکه مدافع حقوق کارگران و زمینکنان است صحبت کرد. و هدف مارکسیست ها را فقط مبارزه با مذهب توصیف کرد. او گفت که مارکسیست ها تحت شعارهای حمایت از کارگر و زمینکنان هدف اصلی شان مبارزه با خدا و مذهب است - چیزی که سالیان درازی است توسط امپریالیستها و مرتجعین سراسر جهان موزورانه تبلیغ میشود - سخنران سپس با تمجیدی از کارفرما سخنانش را پایان برد. و سپس انتخابات در میان بی تفاوتی کارگران برگزار شد.

هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران، تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر آباد جنوبی سابق) واریز نمایند.



سرمایه داران و زمین داران بزرگ

رفیق ابراهیم نظری (کارگر)



رفیق در سال ۱۳۲۷ در فروین متولد شده و تحصیلات خود را فوق دیپلم ادامه داده است. زندگی در مشن رنج و کار همراه با کارگران رجمتک میهنان، پشنامه آشنایی رفیق با درد و رنج طبقه کارگر است. در طول سالهای ۲۶ تا ۵۲ در کارخانجات ایران ناسیونال، جنرال موتورز (آرپا - شاهین سابق)، کنتور سازی و ایران دوجور کار میکرد و همین خود موجب دیگری بود که آشتی ناپذیری وی با رژیم وابسته به امپریالیسم شاهانه و زمینه مساعدی برای درک عینی مسائل مردم و محرومیتهای طبقه کارگر.

رفیق ابراهیم، در سال ۴۸ با مسائل سیاسی بطور جدی آشنا شده و زندگی سیاسی اش را نیز از آن سال آغاز نمود. بدنبال آشنایی با مسائل سیاسی و درک ضرورت مبارزه انقلابی، در سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست که پس از دو سال زندگی مبارزاتی در این سازمان، در اوایل سال ۵۲ توسط جلادان ساواک در اصفهان دستگیر و در بیدارگاه شاه خاش به ۱۰ سال محبس محکوم گشت. در سال ۵۵ - ۵۶ در جرایم مبارزه ایدئولوژیک درون زندان، اندوخته های مبارزاتی وی و درک عمیق از زندگی طبقه کارگر موجب شد که رفیق تغییر ایدئولوژی داده و اندیشه طبقه کارگر را بپذیرد.

رفیق در اواخر سال گذشته بر اثر مبارزات خودهای وسیع خلقهای میهنان از زندان آزاد شد. رفیق نظری هم اکنون در کارخانه کنتور سازی فروین کار میکند و پیشه ۶ گروه را برای شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" پذیرفته و بعنوان کاندیدی نمایندگی این گروهها معرفی شده است.



رفیق افخم احمدی

رفیق افخم احمدی، در خانواده ای متوسط در بابل به دنیا آمد. دوران دبستان را در بابل گذراند و سپس در ادامه تحصیلات خود به تهران آمد و دیپلم خود را در این شهر گرفت. او در سال ۱۳۵۱ وارد دانشگاه گردید و در دانشکده فنی تهران به تحصیلات خود ادامه میداد. این دوران مواجه بود با اوج گیری مبارزات خودها و بالا گرفتن جنبش دانشجویی. رفیق با شرکت در مبارزات دانشجویی و شرکت در مبارزات صنفی سیاسی دانشجویان دانشکده فنی، مبارزه را بر علیه رژیم مغرور پهلوی و حامیان امپریالیست آغاز نمود که تا به امروز ادامه دارد.

علاقه به خودها و عشق به آرمانهای رجمتکنان به زودی او را به مبارزات سیاسی کشاند. مبارزاتی که با آمدن دانشجویان به خیابانها به سرعت تبدیل به ارد و ی عظیمی شد که پایه های حکومت فاشیستی محمد رضا پهلوی را به لرزه انداخت. رفیق با پذیرش ایدئولوژی طبقه کارگر و اعتقاد به قدرت خودها در راه خدمت به آرمان رجمتکشان نهاد و در مرداد ۵۶ به گروه رزمندگان آزادی طبقه کارگر پیوست. و به همراه شماری از دانشجویان دانشکده فنی به کار در میان طبقه کارگر و به مبارزه با رژیم پرداخت.

در اردیبهشت ۵۷ بدنبال فرسای که از طرف ساواک به هسته انقلابی این رفقا (سمید کردقراچورلو، محمود وحیدی - محمد رضا گلشنری) وارد آمد، و با درپیش گرفتن زندگی مخفی دوره جدیدی از مبارزات خود را آغاز کرد. که این مرحله با اوج گیری جنبش خود ای و قیام قهرمانانه مردم همراه بود.

قسمتهای از اعلامیه:

رزمندگان آزادی طبقه کارگر -
مبارزین آزادی خلق ایران -
انحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر
پیوند
مبارزان راه طبقه کارگر -
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چرا در انتخابات "مجلس خبرگان" شرکت میکنیم؟

• بورژوازی و همدستانش چه هدفی را از تشکیل یک مجلس، که نه مؤسسان است، نه دموکراتیک و نه توده ای دنبال می کنند؟
• چگونه می توان هدفهای میوه چینیان انقلاب را از تشکیل "مجلس خبرگان" آشفانمود؟

در اعلامیه پس از اذعان به قیام سپهر ماه و کارها به بورژوازی و میوه چینیان آمده است: سپهر ربه صدور ترمیمی ها بعد از قیام، مبارزات و مقاومتی کارگران و دهقانان برای تامین خواسته های شان، مبارزات طبقه برای تامین خودمختاری و مبارزات نیروهای انقلابی و ناکید بیکرانها میسر بر جهت گیری مبارزه بر علیه امپریالیسم و قطع همه جانبه سلطه و نفوذ آن، کوشش برای تحکیم دستاوردهای که تا کنون در انقلاب دست آمده است، و مفاصل دست درازی و تجاوز بورژوازی به این دستاوردها، سرکوب مبارزات خودها، ضد انقلابی خواندن انقلابیون و ... همه اینها به اندازه کافی نشان میدهد که روند مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خودها ادامه داشته و متوقف نشده است. پیروزیهای که تا کنون برای مردم حاصل شده است، سنگرهای که فتح نموده اند و آگاهی بیشتری که در جریان این مبارزات در شان حاصل نموده اند ناکید بیشتری بر ادامه این روند میتواند باند.

در چنین شرایطی است که بورژوازی و همدستان وی میخواهند با تصویب قانون اساسی مورد نظرشان که وانمود میشود با شکوئی حرکت انقلابی خودهاست، به نیات و عملکردهای ضد انقلابی خویشی رسمیت دهند. آری آنها میخواهند در یک مجلسی بنده که نه مؤسسان است نه دموکراتیک و نه توده ای، بوسیله و وظیفه اطمینان متوقف نمودن انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ملت، قانون اساسی ای را که هدف آن متوقف کردن و مهار کردن انقلاب است، تصویب نمایند.

در این رابطه موضع نیروهای انقلابی و م.م.ها باستانی افشا، این موضوع باند. اما این امر چگونه به بهترین وجهی امکان پذیر است با شرکت، بایدون شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان"؟ کدام یک از اینها میتواند از یک موضع فعال به افشای این موضوع کمک نماید؟

اینکه باید با نباید در "مجلس خبرگان" شرکت نمود بایستی با توجه به مجموعه شرایط عینی و ذهنی مبارزات خودها و اینکه خودها تا چه اندازه در تجربه خود مایه قدرتهای حاکم را شناخته اند، موقع گرفت، بورژوازی از همان ابتدا در مقابل خواسته های انقلاب ایستاده نموده است. ارهان ابتدا با منافع امپریالیسم هوسویی نشان داده است. از همان ابتدا کوشش برای مهار کردن انقلاب به خرج داده است تا جاییکه در مقابل خواسته های خلقها، در همین مدت کوتاه ایستادگی و مدیت نموده و آنها را بارها به گلوله بسته است.

اما آیا اکثریت خودها به مایه قدرت و اینکه آنها نه میخواهند و نه میتوانند خواسته های آنان را تامین نمایند، در تجربه زندگی و مبارزات خویشی دست یافته اند؟ بنظر ما علی العموم این هنوز ما به مرحله ای نرسیده ایم که کذب ادعای بورژوازی و مایه قدرتهای انقلابی را برای خودها درک شده باشد و میتوان گفت خودها در این مقلع بطور غالب دچار توهم و خوشامداری هستند. نتیجه اینکه شرایط ذهنی در چنان وضعی است که خودها همچنان به تامین خواسته های خود از طرف قدرتهای حاکم دل بسته و هنوز در تجربه، زندگی و مبارزه خود به این موضوع نرسیده اند که این قدرتها نمیتوانند استقلال، آزادی، رفاه انسانی و تحولات عمیق و ریشه ای ایجاد نمایند.

بنابراین در جواب به این مسئله که آیا شرکت در انتخابات مجلس خبرگان با شرایط و خصوصیات کذاش از جایز است یا نه، باید به مجموعه شرایط عینی و ذهنی مبارزات خودها توجه نمود و از این موضع حرکت کرد. با توجه به این مجموعه شرایط است که ما متعقدیم در این انتخابات باید شرکت کرد. روشن است که این شرکت از نظر م.م.ها، بهیچوجه هدف شرکت در قانونگزاری و چانه زدن بر سر قانون اساسی آنها را نداشته و مشخصا هدف آنها گری از چه در میمون بخشها مول قانون اساسی و چه در شکل غیر دموکراتیک این مجلس دنبال خواهد نمود. از نظر میمون (در مورتیک امکانی فراهم بود، که به احتمال فرسب به بغین منتفی است) این هدف عبارتست از: استفاده از تریبون که از طریق آن و از طریق خویشی که به این مرکز میشود، محتوای ضد انقلابی فوایستی که تصویب میگردد، برای خودها توضیح و نشان داده شود که انقلاب ما چه بوده است و آنها چه سدی در مقابل آن قرار میدهند و چگونه بر علیه آن توطئه میکنند. اما از نظر شکل، ما میتوانیم با شرکت خود در این انتخابات خودها را به دروغین بودن وعده و وعیدهای آنان درباره دموکراسی و آزادی، دروغین بودن مجلس و ادعاهای شکیه میکنند. توجه مهم، این افکار بنظر ما در شکل تشریفی خویشی که همانا شرکت در انتخابات میباشد بهتر و روشن تر مورت میگردد. تا شکل تدافعی تحريم، کمونیسم و نیروهای انقلابی در انتخابات نباید خود را وظیفه ای این سنگر را - و لیسو اینکه بدلیل مایه غیر دموکراتیک و محدود کننده این مجلس که شرکت آنان را علنا منتفی مینماید - حالی کنند. بلکه با شرکت خویشی باید میوه چینیان انقلاب را در چنان وضعیتی قرار دهند که خود مایه خویشی را در مقابل خودها و بصورت عینی در تجربه روزمره سیاسی خودها افشا نمایند و نشان دهند که چگونه هیئت حاکمه، در مقابل حاسی ترین مسئله شما می خلقهای ما که تدوین قانون اساسی است، حاضر نیست نظرات افکارانه نیروهای انقلابی بگوئی خلقها برسد. بدین ترتیب شرکت در این انتخابات بدین گونه چگونه چشم امید به فرستادن نمایند به مجلس در میان باند، خود میتواند افکار زنده شکل غیر دموکراتیک و محدود کننده این مجلس باند. اما آیا این بدان معناست که ما مرز بین شرکت، از موضع دفاع از منافع رجمتکنان را با نوع شرکت از موضع بورژوایی مدحش داریم؟ به هیچ وجه. ما شرکت کردن از این موضع را که بخواهد بر سر بندهای قانون اساسی مورد نظر بورژوازی چانه زد، لیسرالی و از موضع بورژوایی ارزیابی میکنیم. این نوع شرکت کردن است که توهم خودها را بیشتر دامن زده و بر ما چیت نقابایی که میگذرد سربوش میگذارد. همچنین آن متضای راه که از راهی به فوق (عدم امکان چانه زدن برای تصویب قانون) صورت میگردد، لیسرالی میدانیم.

بنظر ما فعالیت در این عرصه در عین حال که لازم است، اما بهیچوجه اصرار بر کوششها نباید به مثابه شرط اصلی مبارزه تلقی گردد. کو اینکه این مجلس مجرد از اراده نیروهای انقلابی خود مرکز توجیهی بوده و در این رابطه هم باید بدان توجه کرد و در آن شرکت نمود ولی هیچ وجه نباید مایه هیئت آن مبالغه نمود. مایه و شکل مجلسی که دولت بورژوازی هم اکنون تشکیل داده است، سرتوشتش روشن تر از آن است که به آن بیشتر از یک عرصه فرعی و موقت مبارزه باید داده شود.

هرچه بیشتر مایه فربگ کارانه "مجلس خبرگان" را افشا کنیم کشته باد مبارزه در راه دموکراسی انقلابی خودها بتواند مبارزه خودها بر علیه ارتجاع و امپریالیسم